

بازنمایی آیین‌ها و خرده فرهنگ‌های ایرانی در تبریز

پرونده‌ای برای هجدهمین جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها

صفحات ۸ - ۱۵



طعم خوش همنشینی در سریال‌های خانوادگی

محبوبه ناطق

تکراری است اگر بگوییم عصر، عصر ارتباطات است و رابطه اعضای خانواده از سبک سنتی خود پیروی نمی‌کند و نقش رسانه‌های جمعی در آن غیرقابل انکار است و قبل از آن پیشرفت تکنولوژی در عرصه ارتباطات، به رابطه بین افراد رنگ و بویی متفاوت بخشیده است؟

بله ممکن است تکرار باشد، ولی کیست که منکر اهمیت رسانه ملی در بازتعریف نقش خانواده و اجتماع و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر باشد.

گسترده‌گی و پیچیدگی جامعه انسان، وجود رسانه‌های جمعی را در صحنه مناسبات اجتماعی انسان امری ناگزیر کرده است. شاید در گذشته به خاطر وجود ارتباطات سنتی، روابط چهره به چهره بر روابط اجتماعی غالب بود و به این شکل از یکدیگر باخبر می‌شدند و فرهنگ‌پذیری بیشتر در خانواده و گروه همسالان شکل می‌گرفت، اما اکنون وسایل ارتباط جمعی عامل مهمی در تاثیرگذاری و فرهنگ‌پذیری افراد به شمار می‌روند.

در اکثر نقاط جهان و در همه کشورها بسیاری از مردم ساعت‌های بسیاری را صرف تماشای رسانه‌های دیداری و شنیداری می‌کنند.

در ایران نیز نقش رسانه‌های جمعی بویژه رسانه‌های صوتی و تصویری و در راس آن تلویزیون بر مناسبات فردی و اجتماعی مردم غیرقابل انکار است.

در چند دهه گذشته، تولید سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی با توجه به این نقش ذاتی تلویزیون در تولید برنامه‌های خانواده‌محور صورت گرفته است. از تصویر کردن خانواده‌های سنتی که «پدرسالار» بهترین نمونه این نهفت بود تا «مهمان مامان» در سال‌های بعد از آن و سریال «وضعیت سفید» که سال‌های اول بعد از انقلاب را تصویر می‌کرد تا حتی سریال‌های تاریخی نظیر «روزگار قریب» و در سال‌های اخیر مجموعه محبوب «پایتخت» بر فاکتورهای آشنا و خاطره‌انگیزی همچون شام خوردن دور یک میز و سفره، صلح‌رحم، رسیدگی به مشکلات مالی و خانوادگی یکدیگر و ازدواج براساس آشنایی خانواده‌ها تاکید می‌کرد تا ارزش‌هایی که هنوز در بسیاری از خانواده‌های ایرانی با اعتقادات مختلف ارزش بلامنافع محسوب می‌شود، در تند باد تغییر و نزول ارزش‌های انسانی و اخلاقی در دنیا کم‌رنگ نشود. در این مجموعه‌ها حتی آشپزی و غذا پختن به عنوان یک جایگزین دوست‌داشتنی برای دور هم جمع کردن افراد خانواده از چشم تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان دور نمانده و در فیلم‌ها و سریال‌هایی مثل مهمان مامان، ترش و شیرین، نذری پزوزن آش و شله‌زرد به عنوان آشناترین تصاویری که دور هم بودن اعضای خانواده را به ذهن متبادر می‌کند و مستقیم‌تر در سریال آشپزباشی به آن پرداخته شد که البته نگارنده معتقد است تاکنون از این ظرفیت به طور مطلوب و کامل در سریال‌های تلویزیونی استفاده نشده و باید بیش از این برای غذا در خانواده‌های ایرانی و نقش آن در تحکیم روابط افراد تاکید کرد.

نشان دادن انواع غذاهای ایرانی و نحوه طبخشان در سریال‌ها علاوه بر خوشرنگ و خوش‌نما کردن سریال‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و تله‌فیلم‌ها به نوعی به بانک اطلاعاتی این بخش از فرهنگ غنی کشور تبدیل می‌شود و علاوه بر این که در ذات خود افراد خانواده را دور هم جمع می‌کند و اصولاً مزه و طعم خوش آن در همین دور همنشینی‌هاست، می‌توان بر آن تاکید کرد و برایش فیلم ساخت؛ غذاهایی که مادران با چاشنی محبت آن را می‌پزند و برایش وقت زیادی می‌گذارند، نمی‌توان آن را فقط در بشقابی ریخت و سردست روی میز و در حالتی راحت مثل پیتزا میل کرد.

نمایش زندگی ایرانی در تلویزیون



سیدرضا صانمی

سبک زندگی یک سلیقه نیست، مهارت است؛ مهارتی که در الگوهای مختلف، تجربه‌های زیسته زندگی را صورت‌بندی می‌کند و رسانه بیشترین ظرفیت ممکن را برای انتقال این الگوها و معرفی و نهادینه کردن آنها در فرهنگ مردم دارد.

سبک زندگی، تبدیل کردن دارایی‌های زندگی به توانایی‌های آن است؛ مثلاً انتقال میراث فرهنگی، آموزش رفتارهای اجتماعی، الگوی حل مساله و همه فاکتورهای چگونه زیستن را هم از حیث مضمونی و هم تنوع ابعاد دارد و هم از لحاظ فرم و ساختار روایی متنوع است؛ یعنی فرهنگ و تمدن اشکال گوناگونی دارد و رسانه‌هایی بیشتر از تمهیدات مختلف برای بازنمایی و انتقال آنها بهره می‌گیرند. بخشی از این تمهیدات وجه غیرنمایشی دارد، اما وجه نمایشی و دراماتیک ماجرا از پیچیدگی، جذابیت و دامنه و عمق تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است. بدیهی است یکی از روش‌های موثر و مخاطب‌پسند برای انتقال میراث فرهنگی، نمایش سبک زندگی ایرانی و شرقی در بستر فیلم و سریال‌هایی است که ساخته می‌شود.

طی دو دهه اخیر که مدرنیته در کشور ما بسط یافته و تاثیرات آن را می‌توان در آثار نمایشی هم ردیابی کرد، همچنان فیلم و سریال‌هایی که به فرهنگ و سبک و شیوه زندگی اصیل ایرانی می‌پردازد، برای مخاطبان جذابیت داشته و خاطره‌انگیز است. اگر بخواهیم در عرصه سینما مثالی بزنیم، باید به فیلم «یه جبهه قند» به کارگردانی رضا میرکریمی اشاره کنیم که فرهنگ و سبک زندگی ایرانی را حتی در جزئیات به نمایش گذاشته است. در این فیلم که قصه آن در شهر یزد می‌گذرد، دو سنت عروسی و عزاداری ایرانی به شکل مینیاتوری و با جزئیات تمام به تصویر کشیده شده و مناسبات و روابط خانواده ایرانی به بهترین وجه روایت می‌شود. ریزه‌کاری‌های زندگی ایرانی و روابط عاطفی و خانوادگی در این فیلم به حدی با دقت و درایت به تصویر کشیده شده که انگار یک فیلم مستند درباره زندگی به سبک ایرانی است. یکی از کارکردهای مهم پررنگ بودن فرهنگ و سبک زندگی ایرانی در آثار نمایشی، باورپذیر کردن موقعیت درام و شخصیت‌های قصه است و تماشاگر ایرانی از دیدن آن لذت می‌برد. این موقعیت را در مقابل فیلم‌های پرزرق و برق و تجمل‌گرایانه‌ای که هیچ نشانه‌ای از سبک زندگی ایرانی در آن دیده نمی‌شود، قرار دهید. این‌گونه آثار معمولاً با دافعه مخاطب همراه شده و حتی آزاردهنده است.

در سال‌های اخیر شاهد سریال‌های مختلفی بوده‌ایم که به این مساله توجه داشته و بازنمایی، نمایش فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی را دستمایه ساخت خود قرار داده است، البته این سریال‌ها بیشتر در مکان و لوکیشن‌های خارج از تهران و شهرستان‌ها اتفاق می‌افتد.

توسعه سریع مدرنیته موجب شده کمتر بتوان سبک و سباق

معنی نیست که فقط سریال‌هایی که از برخی عناصر و نشانه‌ها یا وسایل و شمایل سنتی استفاده می‌کنند، سبک زندگی ایرانی را منتقل می‌کنند.

آنچه مهم است، بینش و منش ایرانی و در یک کلمه روح زندگی ایرانی است که می‌تواند در ساختار یک خانواده مدرن نیز دیده شود. اساساً ایرانی بودن فراتر از سنتی یا مدرن بودن معنی پیدا می‌کند. به همین دلیل می‌توان سریال «خانه سبز» را در همین رده قرار داد. به هر حال امروزه با هجده نشانه‌ها و نمادهای غربی در زندگی اجتماعی، فیلمسازان باید سبک زندگی ایرانی و ارزش‌های آن را به تصویر بکشند و مدام برای مخاطب یادآوری کنند. زندگی به سبک ایرانی در عالم تصویر، بهترین شرایط لازم برای حفظ و صیانت از فرهنگ ایرانی است.

واقعیت این است که با گذشت زمان و تغییر و تحولات اجتماعی که شتاب بیشتری هم به خود گرفته است، مساله سبک زندگی اهمیت و البته پیچیدگی بیشتری هم پیدا می‌کند. امروزه نسل جوان در شکاف سنت و مدرنیته، تصویر و تصور روشنی از سبک زندگی ایرانی نداشته و به دلیل فقدان مهارت‌های زندگی با بحران‌های فردی - اجتماعی مواجه هستند.

این که فقط از طریق سخنرانی، میزگرد و گفت‌وگو به تبیین اهمیت سبک زندگی و الگوهای آن بپردازیم، قطعاً جواب نمی‌دهد و تجربه‌های اجتماعی نیز بر این امر صحه می‌گذارد. شاید هیچ چیز به اندازه الگوهای بصری - نمایشی نتواند به آسیب‌شناسی یا آموزش رفتارهای صحیح و عقلانی بپردازد. مخاطبان به واسطه ارتباط حسی و همذات‌پنداری که با شخصیت‌های قصه‌ها در مجموعه‌های تلویزیونی پیدا می‌کنند، بتدریج می‌توانند به تغییر الگوهای غلط رفتاری و یادگیری مدل‌های درست و عقلانی بپردازند، اما بازنمایی سبک زندگی در آثار نمایشی باید پیوسته سرگرمی هم داشته باشد و در بستر خلق موقعیت‌های دراماتیک به آموزش ضمنی اهتمام ورزد. متأسفانه در برخی مجموعه‌های تلویزیونی شاهد هستیم که دغدغه سازندگان در تغییر یا ایجاد الگوهای موفق سبک زندگی به بیانیه، نصیحت و اندرز ختم شده و فاقد المان‌های نمایشی است. بازنمایی سبک زندگی در سینما و تلویزیون باید از فرآیند دراماتیزه شدن بگذرد و قابلیت رسانه‌ای پیدا کند. آن‌گاه در پس این ساختار رسانه‌ای می‌تواند به تبیین و تبلیغ این موضوع بپردازد.

سبک زندگی یک ایدئولوژی نیست که باید و نبایدها را گوشزد کند؛ الگوی متکثر از تجربه‌های زیسته موفق است که به شکل یک بسته پیشنهادی ارائه می‌شود. تلویزیون باید بتواند فارغ از محتوا و مضمون این بسته آن را به گونه‌ای عرضه کند که مشتری ابتدا جذب تماشای آن شده، بعد آن را خریداری کرده و مصرف کند. بازنمایی سبک زندگی در تلویزیون صرفاً نباید مهارت‌های زندگی را به مخاطب بیاموزد، بلکه باید شوق زندگی را در آنها برانگیزد تا شور و شعور زندگی در رفتار مخاطب برون‌فکنی شود.

زندگی ایرانی را حداقل در تهران سراغ گرفت و گویی یک زندگی به سبک تهرانی در حال شکل‌گیری است که هویت‌های بومی و فرهنگی ندارد. مثلاً قصه یه جبه قند در یزد اتفاق می‌افتد یا سریال در مسیر زاینده‌رود در شهر اصفهان رخ می‌دهد؛ شهرهایی که به نظر می‌رسد نشانه‌هایی بیشتر از تمدن و الگوهای زندگی ایرانی را در خود حفظ کرده و کمتر در معرض تهدید یا تاثیر سبک زندگی غربی بوده‌اند. در سریال در مسیر زاینده‌رود مثل سریال پدرسالار اکبر خواجویی با یک نظام خانوادگی گسترده با آداب و رسوم و آیین‌های جمعی و گروهی خود مواجه هستیم.

حسن فتحی در سینما نیز در اولین فیلم بلند خود به نام زندگی به سبک ایرانی تلاش کرد تقابل دو فرهنگ غربی و ایرانی را به تصویر بکشد؛ البته تلویزیون و سریال‌های آن بیش از سینما و فیلم‌هایش تلاش کرده فرهنگ ایرانی را دستمایه نمایش خود قرار دهد.

مثلاً آش نذری درست کردن، زندگی خواهران و برادران در کنار عروس‌ها و دامادها در یک خانه بزرگ، احترام به پدر و مادر و برادر بزرگ‌تر، غذا خوردن روی زمین و دور سفره غذا، توجه به حجب و حیا و محرم و نامحرم و رفتارهایی از این نوع از جمله عناصر مهم در زندگی به سبک ایرانی است که البته باید مراسم و مناسبت‌ها را نیز به آن اضافه کرد.

سبک و سیاق زندگی ایرانی البته در نمادهای بیرونی خلاصه نمی‌شود و آنچه بیش از این اهمیت دارد، حاکم بودن روح ایرانی در این مجموعه‌های تلویزیونی است.

به نظر نگارنده، یکی از بهترین نمونه‌هایی که منطبق با سبک زندگی ایرانی بود، سریال «بر تیغ» محمدرضا هنرمند بود که موفق شد بخوبی روحیه و حس و حال ایرانی را بویژه از حیث عاطفی در قصه خود به تصویر کشد. سریال «وضعیت سفید» نیز بشدت نمایانگر زندگی ایرانی در دهه ۶۰ و زمان جنگ و بمباران بود. وضعیت سفید بخوبی سبک و سیاق زندگی مردم در پشت جبهه هنگام جنگ را به تصویر می‌کشید و توانست نظر مخاطبان زیادی را به خود جلب کند.

جمع‌گرا بودن و همبستگی و همدلی میان افراد و اعضای خانواده یا همسایه‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی ایرانی است که در سریال‌هایی که در این باره ساخته شده، برجسته می‌شود. سریال‌های دهه ۶۰ به واسطه شرایط اجتماعی آن زمان، بیش از سریال‌های امروزی می‌توانست این شکل از زندگی را به تصویر بکشد.

دو مجموعه «آینه» و «سایه همسایه» به همین دلیل هنوز برای ایرانیان جذاب و خاطره‌انگیز است، البته به این



درباره حضور زنان در سریال‌های تلویزیونی

رفتن از حاشیه به متن

سحر مظفری

حالا سال‌ها از زمانی که در مجموعه‌های تلویزیونی، تصویر حاشیه‌ای و همیشگی از زن‌ها ارائه می‌شد، گذشته است. حالا زنان و دختران داستان‌ها فقط در آشپزخانه مشغول آشپزی یا در اتاق مشغول دوخت و دوز نیستند و از آنها تصویری گنگ و کلیشه‌ای «کسی که تنها به دنبال خاله‌زنک‌بازی است» به نمایش در نمی‌آید.

این روزها زنان سریال‌ها نقش‌شان پررنگ‌تر، واضح‌تر و مستقل‌تر از قبل شده است و جدا از نقش مادر بودن و همسر بودن، در بیرون از خانه و اجتماع هم دیده می‌شوند. درست است که هنوز هم سریال‌هایی به داشته‌ها بسند کرده و تصویر همیشگی و بدیهی از چهره زنان و دختران را نشان می‌دهند، اما آن سریال‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که به تماشاگران چه زن و چه مرد تصویری تازه یا حداقل واقعی از آدم‌ها نشان دهند؛ همان آدمی که هر روز با آن مواجهند.

زنان و دختران، بخش عمده‌ای از مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی و بخصوص سریال‌ها را تشکیل می‌دهند. خیلی از آنها ساعت‌های متمادی پای برنامه‌های تلویزیونی می‌نشینند و به غیر از سرگرم شدن دنبال تصویری از خودشان در سریال‌ها می‌گردند، خودشان را جای آدم‌های داستان‌ها می‌گذارند، با آنها همذات‌پنداری می‌کنند و با غم و شادی و حسرت‌های زنان سریال‌ها همراه می‌شوند.

اگر از آنها دلیل علاقه‌شان به یک بازیگر و نقشی که بازی می‌کند را بپرسید، احتمالاً جوابشان این است که: «این نقش را دوست دارم، چون خیلی شبیه خودم است و دوست داشتمم جای او بودم»، درست است که تعداد سریال‌هایی که هنوز هم دیالوگ‌های «ضد زن» مثل «از قدیم گفته‌اند خواب زن چیه» یا «به حرف‌زن‌ها نمی‌شه اعتماد کرد» یا «چرا مثل زن‌ها گریه می‌کنی» در فیلم‌ها کم نیست، اما بیشتر این سریال‌ها به دلیل ضعف فیلمنامه، بازی‌ها و موضوع سطحی اغلب یا مخاطب زیادی ندارند یا تنها مخاطبان خاصی را جلب می‌کنند.

جدا از سریال‌هایی که زن‌ها و دختران داستان‌هایشان به ساده‌ترین شکل ممکن تصویر شده‌اند و نقش‌شان با پیچیدگی خاصی همراه نیست، سریال‌هایی هم بوده‌اند که برای مدت زیادی ذهن مخاطبان را درگیر خود کرده و از زنان، تصویری متفاوت‌تر یا حداقل جدیدتر و ملموس‌تر ارائه کرده‌اند.

دردسرهای همیشگی

مجموعه تلویزیونی «دردسر والدین» به کارگردانی مسعود نوابی را می‌توان اولین نمونه سریال‌هایی دانست که با محوریت زنان مستقل و سرپرست خانواده ساخته شد تا پس از نمایش مادران خانه‌دار و فداکار نوبت به مادران شاغل و نگران و مسائل آنها برسد. در این سریال فاطمه گودرزی نقش زنی کارمند را بازی می‌کند که می‌کوشد با فرزندانش رابطه خوب و صمیمانه‌ای داشته باشد؛ او درگیر مسائل بیرون و داخل خانه است و سعی می‌کند به بهترین شکل از پس آن بربیاید و در این راه با مشکلات زیادی هم روبه‌روست، درست مثل خیلی از زنانی که بیرون از خانه کار می‌کنند.

گودرزی در سریال «ترانه مادری» نیز در نقش فرخنده، چهره زنی همیشه نگران را که همراه پسرش به تهران می‌آید بار دیگر به نمایش می‌گذارد تا به عنوان یک مادر نگران در ذهن مخاطب جا بیفتد. البته پس از این دو سریال، مجموعه تلویزیونی‌های دیگری هم درباره دردسرهای والدین شاغل به نمایش درآمد، اما نگاه نوی این سریال همراه با طنز موجود در آن توانست در ذهن مخاطبان ثبت شود.

این زنان شرور

یکی از ماندگارترین نقش‌های منفی مربوط است به «قطامه» زن فتنه‌گر سریال دیدنی امام علی (ع) که با بازی ویشکا آسایش در ذهن مخاطبان نقش بست، اما چهره یک زن شرور امروزی شش سال بعد در سریال «خواب و بیدار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده و با بازی رویا نونهالی به مخاطب نشان داده شد تا پس از آن زنانی که رفتاری شرورانه دارند به «ناتاشا» ملقب شوند.

گاهی از نگاه راوی یا مخاطب پنهان می‌مانند که گاه با تکیه بر احساس و عاطفه و گاهی بر اساس تیزهوشی زنانه، نقشی مؤثر در شکل‌گیری تاریخ ایفا می‌کنند. حضور بازیگران زن در سریال‌های تاریخی-مذهبی از مجموعه تلویزیونی امام علی (ع) و مختارنامه گرفته تا سریال‌هایی مثل کیف انگلیسی، شب دهم، مدار صفر درجه و کلاه پهلوی نقش زیادی در پیشبرد درام و جذابیت داستان برای مخاطب داشت. اوج حضور زنان در سریال‌های تاریخی را می‌توان در مجموعه تلویزیونی مختارنامه به کارگردانی داوود میرباقری دید که هم از نظر کمیت حضور زنان و هم از نظر کیفیت بیشتر از سریال‌های تاریخی دیگر به چشم می‌خورد.

حضور پررنگ و منطقی زنان و نقش مؤثر آنها در پیشبرد داستان یکی از دلایل جذابیت این سریال بود. جالب این که در این سریال حضور زنان فقط در روایت درام خلاصه نشد و صدا و لایایی یک زن در موسیقی تیتراژی آن هم به عنصری برجسته تبدیل شد.

طنزهای کم‌مایه

سریال‌های طنز روز به روز ساعت بیشتری از آنتن تلویزیون را پر می‌کنند و هرچند بازیگران زن حضور پررنگی از نظر کمیت در آنها دارند، اما هنوز نقش‌شان در بیشتر این سریال‌ها حاشیه‌ای و کم‌رنگ است. اگر مروری بر سریال‌های طنز تلویزیون داشته باشید بیشتر شخصیت‌های زن به گفتن دیالوگ‌های سطحی و خنده‌های بی‌دلیل بسنده می‌کنند، کاراکتر مشخصی برای آنها تعریف نشده است و شخصیت‌پردازی آن قوی نیست، اما در سریال‌هایی هم، نویسنده به شخصیت‌پردازی درست و منطقی از آنها دست زده است. برای مثال در مجموعه‌های طنز پاورچین و شب‌های برره، زنان داستان حضور پررنگ و مستقلی در کنار مردان دارند و تنها موجوداتی نیستند که تنها با خنده‌های ریز و نخودی روی ذهن مخاطب راه بروند، بلکه برای آنها کاراکتر مشخصی نوشته شده است اگرچه به عقیده بسیاری جدا از این معدود سریال ذکر شده، حضور زنان در سریال‌های طنز چندان دلچسب از آب در نمی‌آید.

زنان باغ سرهنگ

یکی از ویژگی‌های سریال «باغ سرهنگ» به کارگردانی فلورا سام که از شبکه پنج سیما پخش شد، نوع حضور بازیگران زن است. در این مجموعه پنج نقش اصلی زن وجود دارد که همه کاملاً مستقل، صاحب نظر، قدرتمند و مهم‌تر از همه با یکدیگر متفاوت، اما کاملاً واقعی و باورپذیر هستند. البته این تفاوت در مردهای سریال هم مشهود است، اما حضور پررنگ و ملموس بازیگران زن در این سریال را می‌توان نقطه عطفی از حضور بازیگران زن در سریال‌هایی از این دست به شمار آورد.

ستایش وارد می‌شود

مجموعه تلویزیونی ستایش یک و دو آنقدر به مذاق مردم خوش آمد که بسیاری نام فرزندشان را ستایش گذاشتند و هنوز که هنوز است، ستایش یکی از نام‌های پرستفاده و محبوب ثبت احوال است. داستان پرفراز و نشیب زندگی ستایش که با از دست دادن برادر، همسر و مادر خود و با توجه به شرایط نامناسب پدرش به زندگی با دو فرزندش همچنان ادامه می‌دهد و برای فرار از پدر شوهر خود حشمت فردوس راهی شهر دیگری می‌شود، ولی همچنان محکم و استوار به زندگی و آینده فرزندانش فکر می‌کند خیلی‌ها را مجذوب این سریال کرده است. تصویر قدرتمند و وفادار زنی که حاضر است به خاطر فرزندانش دست به هر کاری بزند و از هر نوع خودگذشتگی فروگذاری نکند که اگرچه در سریال‌های زیادی چه تاریخی و چه رئال به نمایش درآمده است، اما جذابیت کاراکتر ستایش که حالا در سری دوم، پس از گذشت ۲۲ سال در منطقه‌ای در شمال کشور زندگی می‌کند، بسیاری از مخاطبان را با غم‌های او همراه کرده است.

عصر دختران سرکش

سرکشی دختران با فیلم «دوران سرکشی» به کارگردانی کمال تبریزی برای اولین بار به مخاطب تلویزیون نشان داده شد. در سال‌هایی که فرار دختران از خانه و اعتیاد آنها در جامعه زیاد شده بود، نشان دادن یک دختر که از خانه فرار کرده و حالا قصد دارد به زندگی عادی برگردد، تصویر جدیدی بود که در قالب یک سریال پخش شد و مورد توجه زیادی قرار گرفت و توانست مخاطب را با روحیات و دنیای این دختران تا اندازه‌ای آشنا کند، هرچند بازی‌های خوب بازیگران این سریال هم در موفقیت آن بی‌تاثیر نبود.

در کل می‌توان دوران سرکشی را فیلمی زنانه دانست که از روناک با بازی عاطفه نوری گرفته تا مددکار اجتماعی با بازی لادن طباطبایی به بهترین شکل توانستند مخاطب را راضی کنند. پس از آن هر از گاهی در مجموعه‌های تلویزیونی شاهد دختران سرکش بودیم که «ترگس» و سریال «مادرانه» از جمله آنهاست.

زنان تاریخ‌ساز

شاید در نگاه اول به نظر برسد یک مجموعه تاریخی، یک درام مردانه است؛ بویژه اگر قهرمان آن سردار و فرمانده جنگ باشد، اما واقعیت این است که پشت همین قهرمان‌های تاریخی، زنانی هستند که

مردم بالادست...

یادداشتی درباره مستند «اینجا مردمانی زندگی می کنند»

شاید درست وقتی جان گریسون در پایان دهه ۳۰ سینمای مستند را تفسیر خلاق واقعیت خواند اولین سوء تفاهمها و بحثها درباره این که: «سینمای مستند واقعا چیست؟» به وجود آمد.

تعاریف زیادی در مقابل هم قرار گرفت. از ادعای جان کورنر که مستند را تنها هنر ضبط کردن می نامید تا برایان وینستون که به آن لقب ادعای واقعیت را داد، همه در پی پاسخگویی به این پرسش بود که چطور می شود چیزی را که به وضوح تلاش می کند تا واقعیت یا بخشی از واقعیت را بازنمایی کند، ولی در عین حال از ابزارهای زیبایی شناسانه استفاده می کند، تنها بازنمای واقعیت نامید؟ و در واقع آیا استفاده از زیبایی شناسی، واقعیت را معشوش خواهد کرد و به واقعیت جهت خواهد داد؟

حقیقت این است که بیشتر ما با دیدن یک اثر توانایی آن را داریم که بین مستند بودن یا داستانی صرف بودن آن تمایز قابل شویم، اما وقتی مرزهای ساختاری درهم می تند یا پای تعریف وسط می آید، تصمیم گیری کمی سخت می شود. رابطه عجیبی که بین دو مفهوم غیرداستانی و مستند از بدو تولد وجود داشت و حتی گاهی درهم می تنید این معماری پیچیده تر کرد. عده ای سعی کردند با این باور که تمام مستندها غیرداستانی است، اما تمام غیرداستانیها مستند نیست به این پرسش پاسخ دهند.

با این حال باز هم همه می دانستند که سینمای مستند می تواند زمینه ساز داستانی یک فیلم نیز باشد که به آن مستند داستانی می گویند. در واقع اساس کار در این نوع آثار بر پایه استناد به واقعیت و نشان دادن آن در یک خط کمرنگ داستانی است. از طرفی وقتی فیلمهایی که مستند است از سنتها و تکنیکهایی که بیشتر در فیلمهای داستانی استفاده می شود سود می برد موضوع باز هم پیچیده تر می شود. درست است که در آثار مستند و در ساختار روایت و تدوین آنها چیزی که داتا به قصد داستانیگویی صرف به وجود آمده وجود ندارد و سازندگان آثار مستند معتقدند که به عکس سینمای داستانی که یکی از اهداف عمده آن سرگرمی تماشاگر و توجه به درآمد گیشه است، آنها در مستندهایشان سرگرمی را عاملی فرعی می دانند یا حداقل هدفی فرعی و ادعا دارند که هدف عمده فیلم مستند طرح مسائل زندگی، بیان و تفسیر آن، افزایش میزان شناخت تماشاگر و آگاهی دادن به اوست، گفتن این نکته کمی در حل این مساله نجاتبخش است که تفاوت اصلی نه در فرم یا سبک، که در واقع در منظور و محتواست.

همان طور که گاهی فیلمهای داستانی شبه مستند از زمینهها و سنتهای شبه مستند بهره می گیرد تا واقعی تر به نظر بیاید، مستندهایی هم



که از ساختار دراماتیک، بازسازی و دیگر شیوههای داستانی استفاده می کند در واقع به فکر تشدید کردن تاثیر خود است.

یکی از این مستندها را می توان فیلم «اینجا مردمانی زندگی می کنند» ساخته آریتا رصافی دانست که چندی پیش از برنامه «فانوس» شبکه مستند پخش شد و بیشتر به همان دلیل که محتوای آن داشت مورد توجه قرار گرفت. در این مستند بانوی

شدن تعداد زیادی از اهالی روستا در همان زمان، تاثیر و مشکلات آن همچنان پس از گذشت سالها در بین مردم روستا به چشم می خورد.

استفاده از شیوه خلاقانه بازسازی در این مستند از اینجا باورپذیر می شود که بین فرم آن و محتوا، که همان یادآوری باقی ماندن آسیبهای جسمی و روحی وارد شده بر مردم این روستا پس از گذشت سالهاست، هماهنگی وجود دارد و همان طور که هنوز مردم اثرات تلخ بمبهای شیمیایی را در زندگی روزمره خود و حتی جشن و شادی عروسی شان حس می کنند، مستند نیز مدام در مرز خیال و واقعیت و بازسازی حرکت کرده است. این نگاه حتی در انتخاب عنوان فیلم نیز به چشم می خورد و به جای جمله ماضی «اینجا مردمانی زندگی می کردند» کارگردان با هوشیاری تمام بر تاثیر گذشته بر حال مردمان ديارش، اشاره می کند.

البته «اینجا مردمانی زندگی می کنند» در برخی موارد نتوانسته بخوبی مرز بازسازی و مستند محض را رعایت کند و بنابراین تاثیر عاطفی خود را نیز در بخشهایی از اثر، از دست می دهد. بخصوص این که خط سیر مشخصی ندارد و به نظر می رسد در انتخاب داستانهای متعددی مانند پسری که تمام خانواده اش را از دست داده و مجبور به کوچ به شهر شده و حال برگشته است تا داستان دختری که در روز ازدواجش آرزوی دیدار خانواده اش را دارد و حتی قصه های فرعی دیگر، در نوسان است. حتی نمی توان روستا را به عنوان خط محور مرکزی این نوع روایت متصور شد، زیرا فراز و فرودهای جاری در روایت مستند ناگهان بر یکی از موضوعات متمرکز شده و بعد بدون زمینه چینی هدفمند، سوژه ای دیگر را به پیش می کشد.

با این حال باید «اینجا مردمانی زندگی می کنند» را یک مستند «لازم» دانست. لازم از آنجا که وجود این گونه مستندها که ابعاد مختلف جنگ تحمیلی، آن هم با یک نگاه بومی را به تصویر می کشد، یکی از ضرورت های عصر ماست تا بتوانیم قبل از آن که فاصله زمانی ما از این رویداد، واقعیت های آن را دچار تحریف کند، حقایق آن را به ثبت برسانیم و اگر یک مستند ساز بتواند در این راه با کمک ساختار دراماتیک و استفاده از عناصر زیبایی شناسی، موضوع تلخ سوژه اش را با لطافت به تماشاگر عرضه کند، بی شک قدم بزرگی در این راه برداشته است. «اینجا مردمانی زندگی می کنند» یک مستند است، زیرا آنچه تمام نمای حقیقی از سرنوشت مردمان کشورمان است و مستندی داستانی است چون می تواند بر مبنای همان واقعیت و با نگاه به زندگی سوژه های واقعی خود، چه آنها که اینجا زندگی می کردند و چه آنها که اینجا زندگی می کنند، قصه ای تلخ را به زیبایی بازگوید؛ حتی برای مردمانی که روزی و روزگاری دیگر اینجا زندگی خواهند کرد.

کارگردان آن نیز که خود زاده کرمانشاه است به سراغ روستایی در مناطق مرزی می رود تا واقعه ای را یادآور شود که پس از گذشت سالها همچنان آثار آن باقی است.

این مستند درباره مردم کرمانشاه و بخصوص روستای بان زرده از توابع اسلام آباد این استان است که سی و یکم تیر ۱۳۶۷ مورد حمله شیمیایی هواپیماهای عراقی قرار گرفته است و علاوه بر شهادت و مجروح

یک اتفاق نادر در عرصه نماهنگ سازی

کلوز آپ

قاسم کجویی

نشسته است، تاثیری خیره کننده می گذارد. این اتفاق نادر، کلیپی کوتاه بود که بعد از ظهر روز ولادت حضرت علی (ع) از شبکه یک پخش شد و فقط هم یکبار شاهد پخش آن بودیم؛ نماهنگی که در آن خاکهای گرم جنوب، به طرح های گرافیکی زیبایی در قالب نقش کعبه و نام حضرت علی (ع) تبدیل می شود؛ نماهنگی که هم می توان خلاقیت بالایش را تحسین کرد و هم کیفیت مطلوب فنی و هنریش را.

تولید چنین آثاری نشان می دهد اگر جدیت در کار با خلاقیت و دانش لازم همراه شود، می توان از دام کارهای کلیشه ای مناسبتی رهایی یافت. امید که در آینده پخش چنین آثاری از حد یک اتفاق نادر خارج شود و مناسبت های مذهبی و مخاطبان تلویزیونی از سوی مسئولان و برنامه سازان صدا و سیما بیش از گذشته جدی گرفته شود. از صدا و سیما می بینیم که چنین ظرفیت های بزرگی در عرصه برنامه سازی دارد انتظار می رود این ظرفیت ها را در عرصه برنامه های مهم مناسبتی بیش از گذشته به کار گرفته و به این وسیله نقشی جذاب تر و ماندگار تر در پاسداشت مناسبت های مذهبی از خود به یادگار بگذارد.

همواره فرصت مناسبی بوده است تا صدا و سیما ضمن تبلیغ و ترویج حقایق تاریخی و مذهبی، گام های بلندی نیز در جهت ایجاد و اشتیاق و علاقه در مخاطبان نسبت به این وقایع مهم بردارد.

طی این سالها و در ایام و مناسبت های خاص مذهبی شاهد پخش ویژه نامه های مناسبتی از شبکه های مختلف صدا و سیما هستیم که قاعدا رسالت آنها گرامیداشت آن مناسبت، جلب نظر مخاطب تلویزیونی، ایجاد علاقه و اشتیاق در مخاطب و تاثیر گذاری مثبت بر اوست، اما این ویژه نامه ها بعضا در دام کلیشه هایی سطحی و شعاری گرفتار آمده اند. البته بی انصافی است اگر به نمونه های موفق برنامه های خاص مذهبی که طی این سالها به نمایش درآمده است، اشاره ای نداشته باشیم.

یکی از این آثار موفق که بهانه نوشتن این مطلب نیز بوده است نماهنگ کوتاهی است که در سالروز میلاد فرخنده امیرالمومنین علی (ع) از شبکه یک سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد؛ کلیپی که واقعا باید آن را یک اتفاق در این عرصه دانست. اتفاقی که بسیار بندرت رخ می دهد، اما بر ذهن مخاطبی که به صورت اتفاقی در آن لحظه مقابل تلویزیون

با مراجعه به تقویم مشاهده می کنیم در طول سال با روزهای فراوانی روبه رو هستیم که به علت تقارن با مناسبت های خاص تاریخی و مذهبی، از جایگاه و اعتبار خاصی نزد ملت ایران برخوردارند.

در چنین ایامی معمولاً فضای عمومی جامعه به سمت نوعی گرامیداشت و یادبود آن مناسبت گرایش می یابد و ما در سطوح مختلف اجتماعی و در لایه های افکار عمومی چنین گرایشی را مشاهده می کنیم. در چنین ایامی از همه نهادهای عمومی، بخصوص رسانه های جمعی نیز انتظار می رود همگام با این گرایش عمومی به دنبال پاسداشت آن مناسبت خاص باشند.

در میان رسانه های جمعی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران هم به واسطه خصلت ملی و فراگیر آن و هم به واسطه رسالتی که از سوی نظام اسلامی به عهده او نهاده شده است، مسئولیت و تعهد جدی تری نسبت به پاسداشت این مناسبت ها دارد. به واسطه چنین مسئولیت و رسالتی است که در طول سال های پس از انقلاب اسلامی همواره شاهد بوده ایم این رسانه ملی به انتهای مختلف سعی در گرامیداشت این ایام داشته است. این مناسبت ها



دیگر نگران گزش پشه و مگس نذانتان توسط حشرات، پشه و مگس نباشید

دستگاه دفع کننده و ضدگزش پشه و مگس ایران DH با استفاده از تکنولوژی روز دنیا بدون نیاز به مواد شیمیایی به طور مادام‌العمر از گزش و هجوم حشرات به خصوص پشه و مگس به خانه جلوگیری می‌کند. ایران DH تنها تولیدکننده دستگاه‌های دفع کننده حشرات، پشه، مگس، موش و ساس به صورت خانگی و صنعتی در ایران بوده که با تنوع محصولی بالا تا به حال افتخار تجهیز ۷۴۰۰۰ منزل مسکونی و ۹۴۰۰ مکان تجاری، اداری، صنعتی و انبار را دارد.

توجه: این محصولات هیچ‌گونه مشابهی نداشته و ایران DH هیچ‌گونه ضمانتی برای دستگاه‌های بدون کیفیت تبلیغ شده در تبلیغات غیرمجاز و سایت‌های متفرقه ندارد. لطفاً به بسته‌بندی و هولوگرام توجه کنید، تا محصولی با گارانتی و کارایی ۱۰۰٪ داشته باشید.

شماره تلفن‌های کارشناسان ایران DH: «تهران» ۰۲۱-۴۴۶۱۴۱۰۰ «کرج» ۰۲۶-۳۲۴۰۲۱۹۵ «خوزستان» ۰۶۱۱-۳۳۸۷۰۰۷-۹

در صورت مشغول بودن خطوط کارشناسان، عدد ۷۷ را به شماره ۱۰۰۰۲۱۳۳۵ پیامک کنید.

خرید کنید و بدون قرعه‌کشی هدیه بگیرید.

اسامی برندگان و معرفی دستگاه دفع کننده همه حشرات و حیوانات موذی (به جز پشه و مگس) در روز دوشنبه ۱۲ خرداد در هفته‌نامه چاردیواری منتشر می‌شود.



مجموعه‌سازان تلویزیونی از گذشته تا به امروز برای نشان دادن طیف وسیعی از مخاطبان پای گیرنده‌های خود، به سراغ خانواده و موضوعات پیرامونی آن رفته‌اند و راه طولانی ساخته رضا کریمی که این روزها روی آنتن شبکه آی فیلم رفته نیز از این قاعده مستثنی نیست. مجموعه تلویزیونی یاد شده به واسطه کیفیت نسبتاً خوب اجزایش تا حدودی در این دسته که مورد توجه مخاطبان تلویزیونی است قرار می‌گیرد. یک مجموعه تلویزیونی موفق بیشترین نیروی خود را از فیلمنامه‌اش می‌گیرد و موفقیت یا شکست آن با ضعف یا قوت فیلمنامه نسبت مستقیمی دارد.

شخصیت‌پردازی در ملودرام‌هایی از جنس راه طولانی از اهمیت بسزایی برخوردار است که در این میان نوسان‌های بسیاری در این مجموعه به چشم می‌خورد. مرتضی امیری به‌عنوان شخصیت‌محوری داستان در ابتدا خوب از کار درآمده، اما هرچه قصه پیش‌تر می‌رود با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شود. شخصیت مرتضی فردی است خانواده‌دوست، آسیب‌پذیر و قابل ترحم که برای حل مشکلات فرزندان به آب و آتش می‌زند، اما از راه صحیح این کار را انجام نمی‌دهد.

نکته‌ای کلیدی در رابطه با این شخصیت همانا خرد کم او برای حل مشکل است که خانواده را درگیر مشکلات عدیده‌ای کرده است. او در «نه گفتن» ناتوان است و همین ضعف وی را به چاه بزرگی انداخته و کل خانواده را در بحرانی بزرگ گرفتار می‌کند. ضمن این که مخاطب برای نزدیکی به او کار چندان مشکلی ندارد. چراکه در اطراف خود مایه‌زاهایی نه اینچنین اغراق شده، دیده و لمس کرده است. برای همین هم وسوسه شدن او در برابر ۲۰۰ میلیون تومان پول برای به گردن گرفتن قتل بر اثر تصادف اتومبیل، باورپذیر از آب درآمده و با شخصیت متزلزل امیری جفت و جور شده است.

طیبه همسر مرتضی امیری وجدان بیدار خانواده است بی‌آن که چندان دیده شود. درواقع کلیشه‌های به کار گرفته شده در این شخصیت بخوبی جواب داده و مخاطب را جز در لحظاتی کوتاه پس نمی‌زند. در حقیقت او تنها کسی است که از وضع موجود رضایت دارد، اما همین شخصیت نیز پس از آزادی شوهرش از زندان دچار تزلزل شده و شباهت چندان به شخصیت قبل از آن ندارد و نوعی غرور در رفتارش به چشم می‌خورد که مخاطب را از خود دور می‌سازد.

در رابطه با دیگر شخصیت‌ها (نیما، سمانه و بهاره)، نیز شخصیت‌پردازی آنچنانی صورت نگرفته و مجموعه‌ای از رفتارهای تیبیک برایشان در نظر گرفته شده است که این مساله در رابطه با بهاره بیش از دیگران صدق می‌کند. دختری امروزی با آرزوهای دور و دراز که کلید از هم پاشیدگی خانواده خود را زده و زیاده‌خواهی‌هایش



نگاهی به مجموعه تلویزیونی «راه طولانی خانه» که از شبکه آی فیلم پخش می‌شود

روایت یک خانواده مساله‌دار

وی رقم زده است.

برده است. هرچند در قسمت‌های اخیر تأکید بیش از اندازه‌اش روی لکنت زبان مرتضی امیری، آزاددهنده و اغراق آمیز شده و تأثیرگذاری‌اش را کاملاً از دست داده است. افسانه بایگان نیز نقش طیبه را کاملاً درک کرده و زوایای پنهان آن را به تصویر کشیده و زوج هنری خوبی را با کیانیان تشکیل داده است.

اما این اتفاق در رابطه با بازیگران جوان مجموعه همچون: خاطره حاتمی، شهرزاد کمال‌زاده و مهرروز ناصر شریف رخ نداده و کمتر شاهد لحظاتی درخشان در بازی آنها بوده‌ایم بخصوص این آخری که با بازی سرد و بیخ زده‌اش در نقش نیما عیار بازیگری راه طولانی را پایین آورده است.

پیام دهکردی در نقشی بشدت کلیشه‌ای به یک بازی کاملاً بیرونی و متکی بر اغراق روی آورده که به شدت با نقش هماهنگ شده و به همین دلیل هم مورد توجه مخاطبان خود قرار می‌گیرد.

راه طولانی با وجود برخورداری از یک کارگردانی سنجیده و تا حدودی استاندارد و یک موسیقی درخشان و قصه‌ای جذاب تنها به یک دلیل آنچنان که باید به دل مخاطبان نمی‌نشیند و آن هم چیزی جز نبود همذات‌پنداری مخاطب با قهرمان‌های راه طولانی نیست.

شخصیت‌های دیگر داستان مانند: افشار، اصلانی، دابی محسن و... عموماً زیر سایه شخصیت‌های اصلی قرار گرفته و ریزه‌کاری‌های چندان در خلقشان به کار نرفته است. افشار به‌عنوان قطب منفی داستان بیشترین لطمه را از این حیث دیده و به همین دلیل نیز تک‌بعدی از کار درآمده است. دابی محسن نیز کاملاً از دل فیلمفارسی‌های قدیمی بیرون کشیده شده و تنها یک لایه بیرونی دارد بی‌آن که عمق چندان داشته باشد. در حقیقت جز یکسری رفتارهای غلو شده و اغراق آمیز چیزی درباره گذشته و حال این شخصیت نمی‌دانیم در حالی که خلأ آن کاملاً حس می‌شود.

رضا کریمی که در کارنامه سینمایی‌اش فیلم خوش ساخت و جذابی همچون انعکاس را دارد، در مجموعه تلویزیونی راه طولانی برخلاف برخی از همکارانش وقت بیشتری صرف این پروژه کرده و ظرافت‌هایی از جنس سینما را در آن اعمال کرده است.

وی در انتخاب بازیگرانش نیز سنجیده عمل کرده و با برگزیدن رضا کیانیان برای ایفای نقش مرتضی امیری، کیفیت کارش را ارتقا داده است. کیانیان با راه رفتن روی مرزی باریک این شخصیت را در نوسان قرار داده و نقش را هرچه بیشتر به سمت درونی شدن پیش

به حوادثی تلخ منجر می‌شود.

با این حال او باورپذیرتر از نیما و سمانه از کار درآمده و رنگ و بویی از واقعیت را با خود دارد. نیما به‌عنوان یک فارغ‌التحصیل بیکار که به کار در آژانس روی آورده، قابلیت همذات‌پنداری نداشته و بیشتر به یک موجود طلبکار شباهت دارد تا جوان بیکار تحصیلکرده.

رفتارهای طلبکارانه نیما در قبال منشی شرکت ساختمانی و نیز مدیر آژانس تنها مشتی از خروار است که ادامه آن را در خانه و در رفتارش با خانواده مشاهده می‌کنیم! به همین دلیل هم مخاطب، نیما و مشکلاتش را به واسطه همین شخصیت‌پردازی غلط از جنس خود ندانسته و از نزدیک شدن به او اجتناب می‌ورزد. سمانه هم به‌عنوان دختر خوب خانواده مجموعه‌ای از رفتارهای یکسان و کلیشه‌ای دارد که تنها در بخش‌های مربوط به دنبال کردن پرونده پدرش، کنش مند عمل کرده و در باقی لحظات کاملاً کنشی نشان می‌دهد. امیر دوست قدیمی مرتضی، نیز با وجود بهره‌گیری از کلیشه‌ها، خوب پرداخته شده و دیالوگ‌های هوشمندانه‌ای نیز برایش نوشته شده است که وی را نزد مخاطب مقبول‌تر می‌سازد. مرگ غریبانه او به دست دابی محسن نیز بسیار تأثیرگذار از کار درآمده و پایانی درخشان برای

خدمت‌ده دیگر از روزنامه

بازجه

درج آگهی نیازمندی‌ها با شرایط ویژه در صفحات ضمانت هفتگه

• تلفن‌های پذیرش آگهی (تهران):

۱۸۸۳

۰۲۱-۸۸۳۳۸۳۳۴-۷ ۰۲۱-۴۲۷۲۱۱۰۱۴

۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳۰-۳ ۰۲۱-۶۶۲۸۱۳۶۰

پیش بینی کنید، جایزه بگیرید

برنامه بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ تاریخ بازی‌ها

گروه	بازی	شماره بازی	برد غنا	برد آمریکا	عدد پیامک (SMS)
G	غنا - آمریکا	۱۴	برد غنا	برد آمریکا	۱۴۳ ۱۴۲ ۱۴۱
H	بلژیک - الجزیره	۱۵	برد بلژیک	برد الجزیره	۱۵۳ ۱۵۲ ۱۵۱
A	برزیل - مکزیک	۱۶	برد برزیل	برد مکزیک	۱۶۳ ۱۶۲ ۱۶۱

• ارسال فکس به شماره ۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳۰ جهت شرکت در مسابقه روز پنجشنبه (شنبه ۱۹/۲/۱۳۹۴) تا یک روز قبل از برگزاری بازی‌های مذکور

• اعلام اسامی ۷ برنده به تیرگی در هنگام جام جهانی یک هفته پس از انجام بازی‌ها

نیازمندی‌های ضامن کار

یک شرکت بخش معتبر
جهت تکمیل کادر فروش خود در تهران و نوسان‌دهنده بازار بورس و طلا و ارز نیازمند است. شرایط: ۱۰۰ نفر، ۱۰۰۰ ساعت، ۱۰۰۰۰ تومان. **۶۶۹۲۳۸۹۶**

طراحی گرافیک
مستعدان
کتاب، مجله و نشریات
۰۹۱۸۷۱۳۱۴۲۷

استخدام
به تعدادی آقا و خانم جهت کار در یک موسسه نیازمندیم.
(تهران طرح و زنگنه)
حقوق ثابت + پورسانت
۲۲۰۵۲۶۰۴

صحافی بزوه
صحافی زبان‌های مختلف و کتاب‌های قدیمی
مقا کتب - کتب و اسناد قدیمی
در اسرع وقت
۰۸۱۱-۲۵۲۱۸۷۶

فتو تکثیر مهر داد
ترجمه متون، کلیه خدمات
فنی، پایان نامه
۰۳۶۲-۳۳۲۲۲۲۱

تودوزی احسان
دولت رویایی
چادر دوزی
مادرین‌های سنگین
۰۹۱۳۱۶۲۴۰۱۸

تولید کننده میسر
صندلی و تخت فلزی
مقدم
۰۹۱۲۸۱۰۲۰۰۳

گروه تخصصی
املاک ستاره الهیه
اجاره مستغلات
فروش کلنگی
تخصصی
انتیباغ، خدمات عالی
مدیریت هنروش
۰۹۱۲-۲۰۵۶۰۱۰
۰۹۱۲-۲۲۰۵۶۰۱۰

کرج، کرج کرمان و نیرانند
مجموع خدمات رفاهی آبروی
ملاک تجاری ۵۵۰۰ متر
با امکانات اختصاصی (۱۷۰۰) و
۳۳ واحد مغازه
مستأجران ۲۰۰۰ میلیون تومان
۰۹۱۲۳۲۵۲۸
۰۹۱۲۳۲۵۳۸۷

خیابان ریاحی (بیمه)
مجموع خدمات
آپارتمان ۹۵ متر طبقه ۳
فوری فروش
۰۹۱۲۳۱۷۶۵۵۵

صداقت رسالت
خیابان هنگام
بنوار استقلال، ابتدای سراج
شعبه خیابان نیو فلورس طبقه ۳
دوواحدی، آپارتمان ۱۰۴ متر
بشماله با آسانسور و انباری
۰۹۱۲۱۷۶۸۵۷۶

استانهای ترین منطقه تهران
شیراز شمالی، شیخ بهایی شمالی
۳۴۵ متر، ۴ خوابه، برج باغ
و ویوایندی، مشاهدات وسیع
فول امکانات، ۳ پارکینگ
۰۹۱۲۳۶۸۸۱۵۱
لنگدار

مستطیری
۳۱۳ + ۵۷ متر
پاشن ۵۵ پارکینگ، ۲۱ طبقه
معماری و سرفه‌ها به بالاترین
پیشنهاد
۰۹۳۵۷۰۳۴۶۳۰

کرج - مهر شهر
گلستان یکم
آپارتمان طبقه ۲۰۰ متر یک باب
مغازه ۲۷ متر، پارکینگ، انباری
مغازه، بیست و شش
۰۲۶-۳۳۲۰۶۸۲۸
۰۹۳۵۴۳۸۰۶۷۵

سوئیت
اجاره‌های
محمودی
با امکانات کامل
۰۴۹۲-۳۱۹۳۳۹۸
۰۹۱۴۱۹۳۹۰۷۸
آدرس: مرز ارمنستان
روستای توجهمهر
زیارتگاه
سید محمد آقا

بک واحد تولید نان
فروشی در شمال کشور با
شرایط بسیار عالی با معاوضه
۰۹۱۱۱۸۲۲۲۶۷
عطیسی

املاک بردیسان (مشابه)
مرکز کرج ۲۶۰۰ متر کاربری
تجاری - اداری، موقعیت عالی
۰۹۳۵۶۰۴۹۵۵۳
انصاری

کردان
۱۷۵۰۰ متر سند لایحه
۴ دیواری
۱۱۰۰ X ۱۷۵
چاه آب
برق ۵۰ آمپر، استخر
تلفن، ۱۰۰ متر ویلا
۷۰ متر سرایداری
۳۰۰۰ متر انواع درختان
میوه باغی ملک آماده
فرخ و بر تنه شما
ویو بی نظیر
۴۵ دقیقه تا تهران
۰۹۱۲۷۱۰۹۰۸۱

حومه فردیس - مارلیک
فروش باغ و باغچه با قیمت
آرامش و شادمانی مناسب با
امکانات، ویوایندی، درختان میوه
سهل آب و -
۰۹۳۰۷۱۰۸۰۰۳
۰۹۱۲۳۳۹۷۰۸۹

جاده مخصوص کرج
آپارتمان ۲۰۰ بهترین طبقه
۹۰۰ متر زمین، ۱۲۰۰ متر بنا
۳ سال مرزا، مدرن، منظر عالی
- فروش -
۰۲۱-۴۴۹۸۷۷۲۳
۰۹۱۲۳۳۹۵۷۷۶

فروش یا معاوضه با
ملک در تهران
زمین با موقعیت بسیار عالی
مشرف به شهر - بی سرو
فروشنده واقعی از ملک
۰۹۱۹-۲۰۰۳۳۱۸

اسلامشهر
۱۶ هزار متر زمین
اداری بهترین محل
۰۹۱۲۴۰۴۰۷۷۴

صداقت کرج
زمین بصاحت یک هکتار
بصورت سند قطعی
۰۹۱۲۶۸۰۲۹۷۰
۰۹۱۲۵۴۸۸۷۶۹

سپاسگر
ویلا ۳۸۵ متر زمین، ۱۲۰ متر بنا
پارسی شده با کلیه امکانات
استخر، تکمیل در منطقه بار
فروش با معاوضه یا ملک در تهران
۷۷۲۴۵۵۸۵
۰۹۱۲۳۱۹۰۷۰۴

شهر آشنیان
متر، ویلا ۳۰۰ متر، سند
در بهترین طبقه شهر، ۳۲۴ متر
زمین، ۲۰۰ متر بنا، ۲ طبقه با
کلیه امکانات
۳۵۰ میلیون فوری فروش
۰۹۱۸۳۶۰۸۱۳۳
۰۹۳۹۸۹۲۸۲۸۲

فروش سوری
تعدادی زمین و ویلا
در بهترین طبقه کارندشت
۰۹۱۱۸۶۳۳۱۰۳

کرمان کرج
ویلا مسکونی
۶۴۰ متر زمین
۱۰۷ متر بنا، دوپلکس،
نوساز، سبک اسپانیایی
آب-برق، گاز، یکج
کابینت MDF، پارکینگ
کاشی دیواری، شومینه،
فرنگی، استخر، فضای
سبز، نما چوب، واقع در
شهرک مسیای کوهسار
۰۹۱۲۵۶۱۰۱۴۳
۰۹۱۰۸۶۹۳۰۹۰
۰۹۱۲۵۹۸۸۲۵۵

کالای برق علیان
تهیه و توزیع
انواع لوازم برق صنعتی
فشار قوی و ضعیف
انواع سیم و کابل برق
روشایی
فروش انواع آیفون‌های
تصویری، درب‌های
الکترونیک
دوربین‌های مدار بسته
۰۹۱۲۶۱۱۱۵۱۹
۰۲۱-۳۳۹۸۴۰۶۶

لوله کشی آب
نیمه‌فوری
۰۹۱۲۴۵۰۵۳۹۳

فوم بتن آیامه
با صد هزار متر نمونه کار
۰۹۱۲۴۲۰۸۷۸۲

فروش آهن آلات
شهدوست
۰۹۱۲۱۰۹۶۰۴۰
۰۲۱-۵۵۴۴۶۰۴۰

خدمات سیم کشی ساختمان
یوسفی
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

خدمات لوله کشی
آب و گاز
مقدم
۰۹۱۲۸۰۹۴۳۶۲

ایزار آلان حسین
فروش انواع پیچ و مهره
رنگ ساختمانی
۰۳۶۲-۳۳۴۱۳۷
۰۹۱۲۳۲۲۵۳۶۳

بورس سیم و کابل
نمایندگی سیم و کابل
کابل‌کشی تهران
راد افشان سحر و کلت کابل
فروشنده کابل‌های فشار قوی
و ضعیف، زردفان، سرپله، ار-
غیبتدار، طهارتی، آلیسینوم
و خود نگهدار
نقاراز جنوبی، پاسار پارسی
طبقه هفتم، رایان کابل
پلاک ۲۹۸ و ۳۰۰
۰۲۱-۳۳۹۰۸۴۱۱
۰۲۱-۳۳۹۰۸۴۰۸
۰۲۱-۳۳۹۵۱۸۵۲

رستوران خورشید
آماده عقد قرارداد
با شرکت‌ها
۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷
۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰

جرقیل اطلس
انواع جرقیل
سیمک و سنگین
۰۹۱۲۱۳۵۶۶۸۲

فروش کویر بادرود
انواع سنگ تراورتن،
گرانیت، مرمریت،
کاشی و سرامیک و
فوم بتن
۰۹۱۲۲۵۹۰۹۸۲
۰۹۱۲۶۸۰۱۵۳۵
۰۲۱-۵۵۸۸۶۵۱۱

آر سی
خدمات فرم‌های ساختمانی
سازمان پیش ساخته
نگاراسون مانی
۰۹۱۲۶۱۸۷۷۳۳

خدمات ساخت کابینت
ام دی اف احسان
ساخت انواع کابینت، کمد
ساخت دیواری و ...
۰۹۱۹۲۸۹۲۱۳۸

فروشگاه ایران یدک
(کلرین)
لوازم بدنی اصلی، بژو و برابرد
۰۸۱۱-۲۷۳۵۵۸۸
۰۹۱۸۳۱۳۹۰۴۸

نمایندگاه انومیل مهدی
خرید و فروش
انواع تولید سفید و کارکرده
۰۹۱۲۵۰۰۷۰۲۹
۰۲۱-۷۷۵۰۱۸۱۸
۰۲۱-۷۷۵۰۴۰۵۰

انومیل گرابه
کانسادی
۰۲۱-۸۸۷۷۲۴۲۵
۰۲۱-۸۸۷۸۲۰۲۲

کافی‌شاپ
سفره‌خانه سنتی
شهر هنر VIP
تهران خیابان ولایت
روبروی تئاتر شهر
ملین کوچه سرمد و پشن
طبقه سوم
۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷
۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰

رستوران خورشید
آماده عقد قرارداد
با شرکت‌ها
۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷
۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰

جرقیل اطلس
انواع جرقیل
سیمک و سنگین
۰۹۱۲۱۳۵۶۶۸۲

فروش کویر بادرود
انواع سنگ تراورتن،
گرانیت، مرمریت،
کاشی و سرامیک و
فوم بتن
۰۹۱۲۲۵۹۰۹۸۲
۰۹۱۲۶۸۰۱۵۳۵
۰۲۱-۵۵۸۸۶۵۱۱

فروش سوری
۰۹۱۲۱۰۹۶۰۴۰
۰۲۱-۵۵۴۴۶۰۴۰

عمل جراحی
لازم نیست
معاظه دیسک مهر و ستونیک
۰۲۶-۳۳۳۰۸۶۲۶
۰۹۳۲۹۱۵۰۹۵۹

فروشگاه شادی
عرضه کننده برندهای مطرح
لوازم آرایشی و بهداشتی
۰۸۱۱-۲۵۲۷۳۲۰

فروشگاه انومیل مهدی
خرید و فروش
انواع تولید سفید و کارکرده
۰۹۱۲۵۰۰۷۰۲۹
۰۲۱-۷۷۵۰۱۸۱۸
۰۲۱-۷۷۵۰۴۰۵۰

انومیل گرابه
کانسادی
۰۲۱-۸۸۷۷۲۴۲۵
۰۲۱-۸۸۷۸۲۰۲۲

همایش سزرگ
کنگسور یک رقمی
زیست‌شناسی
(آقای کهندل)
۹۳/۰۳/۱۰
۹۳/۰۳/۱۱
۹۳/۰۳/۱۱
۹۳/۰۳/۱۱
۲۴ هزار تومان
۹۳/۰۳/۱۳
۹۳/۰۳/۱۷
۹۳/۰۳/۱۷
۲۴ هزار تومان
ادبیات
(آقای افغنی)
۹۳/۰۳/۱۹
۱۲ هزار تومان
هندسه
(آقای بیگی)
۹۳/۰۳/۲۰
۱۵ هزار تومان
ریاضی تجربی
(آقای سعیدی)
۹۳/۰۳/۲۱
۱۵ هزار تومان
دیفرانسیل
(آقای سعیدی)
۹۳/۰۳/۲۴
۱۵ هزار تومان
دین و زندگی
(خانم ابراهیم)
۹۳/۰۳/۲۵
۱۲ هزار تومان
عربی
(آقای میرافضل)
۹۳/۰۳/۲۶
۱۲ هزار تومان
شیمی
(آقای جعفری)
۹۳/۰۳/۲۹
۱۵ هزار تومان
مشاوره انگیزشی
(آقای میکائیل پور)
۹۳/۰۳/۲۰
۹۳/۰۳/۲۹
رایگان
سعادت برقراری تمامی
فروش از ساعت ۸ الی ۱۸
لینک اینترنتی از طریق وب
سایت www.trajahan.com
برای کسب اطلاعات بیشتر
و یا بستن سفارش اینترنتی با
مدیر سایت آقای جهان
۰۹۱۲۵۲۵۹۲۷۷
تماس
حاصل فرمایید.

فروش آبارنمان
۵۰ متر، تکواحدی
تهران، بهار شیراز
۷۷۶۰۳۲۱۷

فروش - لوری
۲ واحد ۱۳۰۰ متر، هشتکدر
جدید، طبقه ۳، ویوایندی
پارکینگ، انباری، گنجه‌های درب
ریخته‌شده و مدرن، سیستم
تهویه، کد سرامیک
۰۹۳۵۳۶۵۱۷۶۲

فروش استانی باغ
۱۰۰۰ متری سنددار
۴ دیواری ۴۰ متر بنا، در
خیابان ۱۸ متری، درختان
۹ ساله، ایجاد باغ ۳۵۰۰
روبروی شهر صنعتی نظر آباد
۰۹۱۲۲۶۸۴۳۰۸

فروش انواع کولر گازی
ال‌سی، ساید، اسپلیت، اجنرال
مستوبیسی، لیبرتی و
موتوری، با ضمانتنامه
ارسال به تمام کشور
www.coles.ir
۰۹۱۸۲۷۴۰۸۰۰
۰۹۱۸۵۷۴۰۸۰۰

جوشکار CO2 ماهر
نیاز مندیم
بیعه + حقوق و مزایای متنوع
(شیفت روز + شب)
جاده ساوه، سعادت آباد
کارخانه ۱۲ ۳۳ ۸۶ ۵۶
روزگزار **۰۹۳۵۴۱۸۱۲۳۳**

اطلاعه فروش زمین و
دامداری
بصورت ویژه در مراکز
۳۳۰۰۰ متر تا ۵۰۰ متر تا آب-برق
متر با سند ۵ دانگ آب-برق
گاز و تلفن-علاقه
۰۹۱۲۱۱۴۳۸۷۸

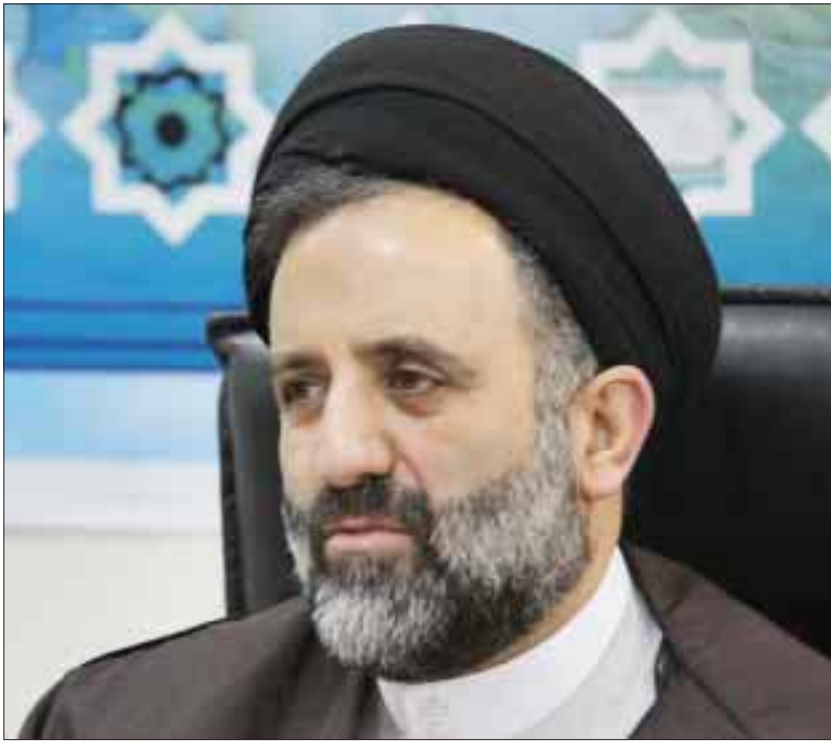
جزیره قسم
فروش فوری
بدون واسطه
مرفه‌های تجاری
۰۹۱۲۱۲۶۹۶۶۳

نشر طرحان
چاپ و نشر آثار شما
با مجوز رسمی از وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی
با هزینه مناسب
۰۲۱-۷۷۶۳۷۴۵۰

SAEED INTEX
فروش انواع لوازم
بازی اینتکس در
کرج سعید اینتکس
عروسک، استخر، توپ،
تخت، عیال، اسباب‌بازی
کتابچه، قاب‌بازی، و غیره
جذاب، تشنگ
با مدیریت سعید غلامزاده
www.karajintex.com
www.saeedintex.com
مدیریت
۰۹۱۹۷۹۴۳۳۳۴
۰۲۶۳۳۲۲۸۳۲۲
تعمیرات
۰۹۳۷۷۶۸۵۷۴۹
۰۲۶۳۳۲۲۶۹۵۲۵
کرج
خیابان شهید بهشتی،
میدان شهدا، جنب بانک
ملت، پاساژ تهرانسپه
طبقه پایین

موسوی مقدم، قائم مقام سازمان صدا و سیما:

توفیقات برنامه‌های استانی چشمگیر است



هجدهمین جشنواره تولیدات مراکز از هفتم و هشتم خرداد در تبریز در حالی برگزار می‌شود که از آخرین دوره آن چهار سال می‌گذرد. واقعیت این است که در کشور با مختصات ایران، اقوامی مختلف با فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کنند که نیاز است به‌طور ویژه به آنها پرداخته شود. حضور شبکه‌های مختلف استانی این ضرورت را ایجاد کرده است که به‌طور تخصصی به این شبکه‌ها و کارکردشان در کپکشان رسانه‌ای نگاه شود. به بهانه برگزاری هجدهمین جشنواره تولیدات مراکز با حجت‌الاسلام سید رمضان موسوی مقدم، قائم مقام سازمان صدا و سیما گفت و گویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

جناب عالی سال‌ها در سازمان صدا و سیما در ساخت‌های مختلف مدیریتی کلان حضور داشته‌اید. جشنواره استان‌ها چه تاثیر مستقیم یا غیرمستقیمی در برنامه‌های مراکز ایجاد می‌کند؟

من همواره تاکید داشته و دارم که هنر و تولیدات مرتبط با آن در همه زمینه‌ها فقط در سینه مه گرفته تهران وجود ندارد بلکه ظرفیت‌های اصیل و ناب در ساخت‌های مختلف در مراکز استان‌ها و حتی در شهرستان‌ها و روستا نهفته است لذا مراکز صدا و سیما به سرچشمه‌ها دسترسی دارند، به محتوای زلال و پاک که اگر بخوبی شناسایی و رسانه‌ای شوند می‌توانند به شبکه‌های سراسری هدایت شوند و یک تحول و تاثیرگذاری عمیق هنری و فرهنگی را در عرصه‌های گوناگون ایجاد کنند. براین اساس جشنواره فرصتی است برای دستیابی به این مهم و ارزیابی آنچه که در این جهت اقدام شده و شناسایی موانع برای سرعت در رشد کیفی تولیدات مراکز و جشنواره استان‌ها هم در سیاستگذاری و هم در اثر بخشی و نیازسنجی تاثیر مستقیمی بر سازمان دارد.

به بیان دیگر مزیت رسانه‌ای ما در استان‌ها نهفته است و به میزانی که بتوانیم مرکز گریزی داشته و خود را در اقیانوس بیکران و بالقوه فرهنگ، آداب، رسوم، تاریخ، ادب و هنر ناب مناطق مختلف کشور با زبان‌ها - لهجه‌ها و... شناور کنیم، قطعا به حقیقت فرهنگ ملی و اسلامی نزدیک‌تر و مخاطب را راضی و قانع‌تر خواهیم یافت. **ویژگی‌های اختصاصی و منحصر به فرد جشنواره تولیدات رادیو و تلویزیونی استان‌ها را در چه می‌دانید؟**

مهم‌ترین ویژگی جشنواره تولیدات استان‌ها در شیوه ارزیابی و بررسی آثار است که برنامه‌ها در همه ساختارها

نهضت تولیدی در این ساختار است. البته تراز کیفی تولیدات استان‌ها طی چند سال اخیر با سیاستگذاری‌ها و اقدامات شایسته معاونت استان‌ها در بسیاری از ساختارها ارتقا یافته که بخوبی درخشش آنان محسوس است. تهیه و تنظیم آثار ممتاز نمایشی و ترکیبی استان‌ها در بسته‌های صدتایی از نظر شما چگونه ارزیابی می‌شود؟

یکی از نوآوری‌ها در معاونت استان‌ها همین اقدام است که این بسته‌ها علاوه بر برجسته کردن کارهای ممتاز استانی در بسیاری از مراکز فرهنگی و رسانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. به علاوه هر یک از این آثار به‌عنوان نمونه‌ای از تولیدات موفق می‌تواند در میان مدت سرمشق و الگوی برنامه‌سازی فاخر شود و باعث ارتقای تولیدات مشابه خواهد شد. در هر صورت این ابتکار اقدام ارزشمندی بوده است که امیدوارم ادامه یابد.

آیا استان‌ها در سال‌های اخیر توانسته‌اند انتظارات سازمان را در زمینه تولید برنامه‌های موثر و کیفی برآورده کنند؟

مراکز استان‌ها دارای استعداد و ظرفیت بسیار زیادی هستند و با احتی می‌توان گفت بهترین پشتوانه و حامی در محتوای تولیدات شبکه‌های ملی در حوزه‌های سیاسی، انیمیشن، موسیقی و حتی تولیدات نمایشی مراکز استان‌ها هستند، اما این که مراکز استان‌ها انتظارات سازمان را در زمینه تولید برآورده کرده‌اند باید اذعان کرد که با توجه به میزان سرمایه‌گذاری و در حدی که از توانمندی‌های خود استفاده کرده‌اند، موفق بوده‌اند اما باید با حمایت‌های بیشتر به جایگاه والا تری برسند.

تولیدات مراکز استان‌ها چه تاثیری در افزایش مبادلات بین‌المللی سازمان و ارتباطات رسانه‌ای دارد؟

اتفاقا یکی از مزیت‌های تولیدات استانی در حوزه تبادل بین‌المللی است، اکنون بیشترین آثار راه‌یافته به جشنواره‌های مختلف دنیا هم در حوزه صدا و هم در حوزه سیما به مراکز استان‌ها تعلق دارد، این در حالی است که شبکه‌های سراسری هم می‌توانند از فرصت برابر این حضور استفاده کنند، اما توفیقات برنامه‌های استانی چشمگیر است.

در این زمینه برخلاف جشنواره‌های داخلی، بنده معتقدم باید از سوی مراکز استان‌ها به تناسب اهداف جشنواره‌های بین‌المللی برنامه‌های خاصی برای ارائه به آنها تولید کنند تا بسیاری از ظرفیت‌های فرهنگی، ملی، هنری و اجتماعی کشور به دنیا معرفی شود. در همین رابطه بسیاری از شبکه‌های همسو و پاک در دنیا، خواهان استفاده از آثار فاخر (فولکلور) ایرانی هستند که مراکز استان‌ها می‌توانند بخوبی به این نیازها پاسخ دهند تا علاوه بر مخاطبان محلی، مخاطبان ملی و بین‌المللی را هم همراه آثارشان کنند.

عمدتا کارهای فاخر استانی و برنامه‌سازان برتر و صاحب سبک، توسط چهره‌های گمنام تولید می‌شود و چه بسا این عزیزان ارتباط سازمانی به صورت استخدام رسمی با صدا و سیما ندارند ولی به‌واسطه تسلط و احاطه به کار هنری و رسانه‌ای آثارشان در جشنواره استان‌ها درخشیده و از امتیازات بالایی برخوردار شده است. بنابراین انگیزه آنها برای همکاری با سازمان بیشتر و بتدریج در مراکز استان‌ها به کارگیری شده است. در سال‌های اخیر جشنواره مراکز، هنرمندان مستعد مختلفی را در ساختارهای متنوعی همچون موسیقی، انیمیشن، ترکیبی، نمایشی و... معرفی کرده است.

آیا اعلام نهضت‌های تولیدی در جشنواره استان‌ها در ارتقای تولیدات استانی موثر بوده است؟

در چند جشنواره اخیر مراکز، از سوی معاونت استان‌ها هر سال یک اولویت تولیدی مانند آموزش، انیمیشن، مستند و... به‌عنوان شعار سال برگزیده می‌شد. به نظر بنده متمرکز کردن فعالیت‌ها در محورهای ضروری و مورد نیاز، آثار خوبی خواهد داشت مثلا اکنون عملکرد مراکز استان‌ها در حوزه تولید انیمیشن اصلا قابل قیاس با دوره‌های قبل نیست. قطعا یکی از دلایل آن اعلام

بر اساس آنچه در طول سال از آنتن شبکه‌های استانی تولید و پخش می‌شود از سوی داوران ارزیابی و بررسی می‌شود، یعنی برنامه ویژه جشنواره تولید نمی‌شود. این ویژگی باعث می‌شود روند ارتقای کیفی برنامه‌ها رو به رشد گذاشته یا احیانا نقاط ضعف آثار به صورت طبیعی آشکار شود.

به نظر من این ویژگی اتفاقا باید الگویی باشد برای همه جشنواره‌های هنری و فرهنگی تا آثار هنرمندان برابر آنچه در شرایط عادی آن هم با ده‌ها محدودیت مثل کمبود بودجه و... به جای گذاشته شده مورد قضاوت قرار گیرد.

همچنین مراکز استان‌ها نیز در این رقابت، جایگاه واقعی و طبیعی خود را بازمی‌یابند که می‌تواند در پیشرفت و تعالی آنها موثر باشد زیرا نقاط ضعف و قوت در یک بستر و روند عادی و به دور از هیجانات جشنواره‌ای یا رقابت‌های کسل‌کننده، بهتر خودنمایی می‌کند.

به نظر شما جشنواره استان‌ها تا چه اندازه در معرفی چهره‌های خوش ذوق و جوان استانی موفق عمل کرده است؟

۱۳۸۲ و یزد در سال ۱۳۸۳ برگزارکننده دوره‌های هشتم تا دوازدهم جشنواره بودند. جشنواره سیزدهم در دوره معاونت مرحوم کردان در تبریز برگزار شد. در دوره معاونت دکتر علی داریابی جشنواره‌های چهاردهم و پانزدهم در اصفهان و مازندران برگزار شد. شهر شیراز برای دومین بار و در دوره مسئولیت حجت‌الاسلام موسوی مقدم در معاونت امور استان‌ها، میزبان شانزدهمین دوره بود و هفدهمین و آخرین دوره جشنواره بار دیگر در دوران حجت‌الاسلام موسوی مقدم اواخر اسفندماه ۸۸ در بندرعباس برگزار شد. تجلیل از خدمات هنری و فرهنگی هنرمندان از دوره نهم جشنواره تولیدات مراکز به‌عنوان بخش جنبی جشنواره به تصویب رسید. از آن دوره تاکنون و از جشنواره نهم به ترتیب از آقایان محمدعلی کشاورز، اکبر عبدی، جهانپخش سلطانی، محمود پاک‌نیت، فتحعلی اویسی، استاد محمود فرشچیان، علیرضا افتخاری، داوود رشیدی، پروانه معصومی، مهدی فقیه، امین تارخ، ثریا قاسمی و مجید مظفری تجلیل شده است و اکنون تبریز خاستگاه بزرگانی همچون محمد خیابانی، ستارخان و باقرخان و زادگاه شهریار، آماده پذیرایی از هنرمندان و برنامه‌سازان مراکز استانی صداوسیما در خرداد ماه امسال است. کیومرث طهماسبی به‌عنوان معاون امور استان‌ها و همکارانشان همه تلاش خود را برای برگزاری هجدهمین دوره جشنواره تولیدات مراکز به کار گرفته‌اند تا حاصل آن بروز تلاش تولیدکنندگان استانی عرصه رسانه در ابعاد مختلف باشند.

مروری بر ۱۷ دوره برگزاری جشنواره تولیدات استانی صداوسیما جشنواره؛ پنجره‌ای برای کشف استعدادها

در آستانه هجدهمین جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان‌ها قرار داریم؛ جشنواره‌ای که فرصتی کم‌نظیر برای انعکاس و تجلی دستاورد تلاش برنامه‌سازان در مراکز استان‌هاست. در ۱۷ جشنواره پیشین شاهد بروز و ظهور استعدادهای خلاق در مراکز بودیم و همین است که ماهیت جشنواره تولیدات مراکز را چیزی فراتر از سایر جشنواره‌ها نشان می‌دهد. جشنواره‌ای که خاستگاه تبادل تجارب مثبت و نوآوری است. جایگاه آموزش و ایده‌های نو و الگو سازی است و بالاخره محلی است برای شناسایی تولیدکنندگان برنامه‌های فاخر. معاونت امور استان‌ها، راه‌اندازی جشنواره تولیدات مراکز را امری قوی برای انطباق و هماهنگی تولیدات سالانه مراکز استان‌ها با منویات رهبر معظم انقلاب درباره رسانه ملی با محوریت اخلاق، دین، امید و آگاهی و در چارچوب سیاست‌های جاری افق رسانه قرار داده است. ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های استانی، اتفاق میمون و مبارکی بود که برنامه‌سازان مراکز را به سمت و سوی تولید برنامه‌های فاخر و ارزشمند با نگاه به فرهنگ بومی و محلی هدایت کرد. این اتفاق اکنون به‌عنوان

بارزترین ویژگی جشنواره مطرح است، چراکه از برنامه‌سازانی تجلیل می‌شود که با ارائه هنرمندانه آثار ارزشمند با محتوای غنی از خرده فرهنگ‌های بومی و ملی، راه را برای ظهور و ورود استعدادهای جوان و نخبه در این عرصه می‌گشایند.

دوره اول تا چهارم قدیمی‌ترین جشنواره رسانه ملی به شکل متمرکز در مجتمع فرهنگی، تفریحی زیباکنار برگزار شد. دوره اول مدیریت جشنواره به عهده معاون امور استان‌های وقت مرحوم جیل عاملی بود. دوره دوم تا چهارم نیز در دوره معاونت محمد پیشگاهی فر در زیباکنار برگزار شد. پس از این دوره بود که با تصمیم پیشگاهی فر، معاون امور استان‌های وقت و به منظور تمرکززدایی و مشارکت مراکز در برگزاری جشنواره، شهر شیراز به‌عنوان میزبان پنجمین دوره انتخاب شد.

آبادان با مدیریت ایشان میزبان ششمین دوره جشنواره بود. در دوره‌های هفتم و هشتم به طور متوالی زیباکنار به‌عنوان محل برگزاری جشنواره برگزیده شد و این همزمان بود با آغاز مسئولیت مهندس عزت‌الله ضرامی در پست معاون امور استان‌ها. ارومیه در سال ۱۳۸۰، کرمان ۱۳۸۱، اردبیل

فتح الله امیری، مستندساز:

جشنواره مراکز باعث بیشتر دیده شدن می شود



می آید تا آنجا که به نظرم از شبکه‌های ملی جلوس و جوایز زیادی گرفته است.

انتظار شما از مسئولان و مدیران در این زمینه چیست؟

همان طور که می‌دانید، استان‌ها باید آثار خود را به جشنواره ارائه دهند. بنابراین طبیعی است هر چقدر تعداد این آثار بیشتر باشد، رقابت هم زیباتر و هم هیجان‌انگیزتر است. مدیران و مسئولان هم باید بیشتر از این جشنواره حمایت کنند، زیرا مراکز استانی بودجه‌اش را از مرکز تامین می‌کنند.

به عنوان یک مستندساز بفرمایید روند مستندسازی در کشور چگونه است؟

همان طور که می‌دانید، کشور ما دچار تورم است. به همین دلیل باید در بحث تولید مستند به مبحث هزینه ساخت یک اثر تصویری توجه کرد. به نظرم از این به بعد نقطه عطفی در مستندسازی کشور به وجود خواهد آمد و آن هم این است که باید بودجه ساخت این گونه آثار را بالا برد تا مستند خوبی ساخته شود. دیگر نباید دلمان را به این که مستندسازی به خاطر دلش کار خوبی می‌سازد و آن مستند هم در جشنواره‌های مختلف موفق شود، خوش کنیم. باید توجه داشت اگر به بودجه مستندسازی اضافه نشود نمی‌توان کار شاخصی ارائه کرد، زیرا اگر بودجه‌ها همخوانی داشته باشد، ما سراغ کارهای دیگر نمی‌رویم.

جشنواره مراکز استانی در شناسایی افراد جوان و مستعد تا چه اندازه تاثیر دارد؟

بسیار موثر است، مشروط به این که بعد از شناسایی از استعداد آنها استفاده شود و به کار گرفته شوند. به عبارت دیگر باید از این استعدادهای حمایت کرد.

به نظر شما جشنواره مراکز بیشتر بر چه مواردی

فتح الله امیری، سیمرخ بلورین بهترین فیلم مستند سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را با مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» از آن خود کرد. این فیلم از تولیدات صدا و سیمای مرکز مازندران است. از او مستندهای ماندگار دیگری نیز دیده‌ایم که توانسته در جشنواره‌های مختلف جوایزی کسب کند. او تقریباً هر سال در جشنواره مراکز استان‌ها شرکت دارد.

برگزاری جشنواره مراکز استانی تا چه اندازه می‌تواند در رشد و شکوفایی استعدادهای شهرستان‌ها موثر باشد؟

جشنواره مراکز استانی باید هر ساله برگزار شود، زیرا رقابتی است بین گروه‌های مختلف فیلمسازی و برنامه‌سازی در شهرستان‌ها. از آن گذشته این که هر دوره جشنواره در یک استان برگزار می‌شود، از نکات مثبت جشنواره محسوب می‌شود که در کمتر جشنواره‌ای این را می‌بینیم که باعث می‌شود فیلمسازان یا برنامه‌سازان مراکز با یکدیگر تعامل داشته باشند، البته باید دقت داشت جشنواره در فضای رقابتی برگزار شود و هدف از برگزاری آن تنها گرفتن یا دادن جایزه نباشد. به عبارت دیگر باید بحث آموزش و الگوسازی نیز مطرح باشد.

کار در مراکز استان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

کار در مراکز استان‌ها ویژگی‌های زیادی دارد، اول از همه این که رقابتی به صورت تخصصی بین مراکز صدا و سیما ایجاد می‌شود که کار بسیار چالش‌گویی است. دیگر این که جشنواره فضای بسیار صمیمانه‌ای دارد، ضمن این که مدیران همیشه در دسترس هستند و تمرکز در یک استان است. از دیگر ویژگی‌هایی که جشنواره دارد، این است که با آن بیشتر به چشم می‌آییم، همان طور که مرکز سیمای استان‌ها هم چند سال است به چشم

زمانی که از روی علاقه مستند «آب را گل نکنیم» را ساختم، حس کردم تولید این گونه مستندها را دوست دارم و شاید از همان جا تصمیم گرفتیم به صورت تخصصی، این حرفه را انتخاب کنیم و آن را ادامه بدهیم. مستند زیست‌محیطی، ویژگی‌هایی دارد که برایم بسیار لذتبخش است.

خودتان برای کیفیت آثار مستند چه ترازوی را در نظر می‌گیرید؟

به نظرم توجه به دو بخش تکنیک و هنر باعث می‌شود اثر با کیفیت خوبی تولید شود. تولید کار با کیفیت مطلوب (در شرایط فعلی تصویربرداری با دوربین HD) با صدا و موسیقی خوب همیشه مورد نظر من بوده است. یکی از بخش‌های بسیار مهم در تولید مستند، توجه ویژه به پژوهش است که حتماً باید برای تولید مستند موثر و موفق این مقوله فراموش نشود.

ایده‌ها و سوژه‌های مستند به شما پیشنهاد می‌شود یا خودتان به سراغشان می‌روید؟

بیشتر موضوعات را خودم شناسایی می‌کنم. البته اگر پیشنهاد هم بشود، می‌پذیریم اما نه هر پیشنهادی را. بعضی اوقات برخی مستندها از دل مستند دیگری در می‌آید. به طور مثال مستند حیات وحش البرز مرکزی باعث شد مستند در جستجوی پلنگ ایرانی را بسازم.

به نظرتان چرا برخی هنرمندان و فیلمسازان جوان مستعد، گمنام هستند؟

این که برخی از آنها دیده نمی‌شوند، قبول دارم. شاید آنهایی که یک قدم جلوتر هستند، جوان‌ترها را معرفی نمی‌کنند و اصلاً نمی‌دانند چه مستندسازان جوانی در کشور هستند و یا چه انگیزه بالایی فعالیت می‌کنند. باید به مستندسازان اهمیت داده شود تا آثار تولیدی آنها هم دیده شود.

باید توجه کند؟

در این جشنواره باید به داوری‌ها توجه بیشتری کرد تا به حق باشد و به واسطه آن فیلمسازان و کسانی که علاقه‌مند هستند در این جشنواره شرکت داشته باشند و بتوانند حضور پیدا کنند. مستند «زندگی در کسوف» جایزه صدربرداری گرفت و در جشنواره فجر هم جایزه بهترین کارگردانی را از آن خود کرد. داوری جشنواره باید استاندارد باشد، بعد از این که کسی در این جشنواره موفق شد باید از آن حمایت شود و تنها به همان جایزه بسنده نشود، طرح‌های بعدی‌اش را راحت‌تر تصویب کنند و بودجه در اختیار آنها قرار داده شود.

مستندهای شما بیشتر در زمینه محیط زیست است. دلیل علاقه شما به مستندهای زیست‌محیطی و حیات وحش چیست؟

علی نواداد مدیر کل صدا و سیمای مرکز آذربایجان شرقی:

برگزیدگان به منزلت نیاز دارند، نه جایزه

فضا از برنامه‌های جشنواره‌ای!، سطح رقابت جشنواره نیز ارتقا می‌یابد و نتیجه نهایی هر چه باشد، بی‌شک انعکاس‌دهنده زحمات، تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی است که مراکز از سطوح بالای مدیریتی گرفته تا برنامه‌سازان جزء تقبل می‌کنند. به نظر من جشنواره‌ای موفق است که نتایج داوری و آثار برتر آن، موجی از نشاط و انگیزه را برای تولید آثار فاخر و ارزشمند در تمامی مراکز بیافریند و جشنواره نقطه شروعی برای تولید آثار بهتر دیگر در طول سال آینده باشد. البته این موضوع برای بخش تحقیقات از شرایط متفاوتی برخوردار است که در فرصت مقتضی باید به آن نیز پرداخت.

ساختار جشنواره

ساختار فعلی جشنواره، امتحان خودش را پس داده و به مرور زمان در طول ۱۷ دوره گذشته به این وضعیت رسیده است. به رویکرد جدید جشنواره در انتخاب آثار برتر نیز این سیر تکاملی ادامه داشته و همان ساختار جشنواره را هم بهبود بخشیده است. تاکید همیشه بنده بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و نیروهای مراکز در برگزاری جشنواره است که عملاً با برگزاری آن در مراکز استان‌ها این مهم به میزان زیادی محقق می‌شود. نکته مهمی که به عنوان پیشنهاد عرض می‌کنم این است که متأسفانه ما برندگان جشنواره‌ها را در طول سال‌ها می‌کنیم و تقدیر از آنها را به لوح تقدیر و جایزه نقدی محدود می‌کنیم. به نظر من آنها بیش از این لوح‌ها و جوایز مادی، به منزلت نیاز دارند. منزلت برنامه‌سازان به گونه‌ای که نه تنها به دلیل برنده شدن در جشنواره، بلکه به علت همکاری در رسانه ملی، همواره افتخار کرده و در امنیت روانی و نشاط و انگیزه کافی، به ایده‌ها



جشنواره‌ای در طول سال و تمامی طبقات برنامه‌های جاری و ساری باشد. و گرنه تولید محدود و محدود برای جشنواره و احیاناً رها کردن آنتن، نمی‌توانست و نمی‌تواند صورت منطقی و موجه داشته باشد. به هر حال تمامی آثار تولیدی مراکز به تناسب و تناسب در تمامی طبقات، در تهران ارزیابی می‌شوند و از آنجایی که این ارزیابی توسط ارزیابان شاخص و مبرز سازمان انجام می‌شود، نمره‌ای که هر برنامه از این ارزیابی‌ها می‌گیرد، برای مراکز از اهمیت بالایی برخوردار است. همین نمرات و ارزیابی‌ها، شاخص مهم و خدشه‌ناپذیری برای داوری و رقابت در سطح بالاست. در واقع وقتی اعلام می‌کنند که مثلاً در سیما ملاک انتخاب و راهیابی آثار به داوری، کسب نمره ۷۰ و بالاتر از ارزیابی‌های تهران است، ضمن پاک شدن

جشنواره‌ای در قواره تولیدات مراکز استان‌ها، خیر و برکات زیادی دارد و از جمله مهم‌ترین آنها، عرضه برنامه‌های معیار و شاخص برای ارتقای سطح کیفی تولیدات در مراکز استان‌هاست. برنامه‌سازانی که با آثار برتر آشنا می‌شوند، می‌دانند که این آثار مطابق با اسناد بالادستی سازمان و افق رسانه است و طبیعتاً همین‌ها، الگوهای مهمی برای تولید می‌شوند. به این ترتیب در وقت و هزینه ارزیابی آثار و مراکز هم صرفه‌جویی می‌شود.

جشنواره محل رقابت بین برترین‌ها و بهترین‌هاست. حضور همه مراکز گرد هم و در یک محل و نمایش ظرفیت‌های یک دوره فعالیت یک ساله، دوساله و... این زمینه را فراهم می‌سازد تا مراکز استان‌ها از نقاط قوت و ضعف یکدیگر آگاه شده، از مزیت‌های هم بهره ببرند و یک تعامل برنامه‌ای بین آنها شکل بگیرد که بسیار مفید و موثر است. جشنواره‌ای در این سطح و با این اهداف، انگیزه‌آفرین است. برای کسانی که برنده می‌شوند، به نوعی و برای کسانی که برنده نمی‌شوند به نوعی دیگر. آنها که برنده می‌شوند، اشتیاق بیشتری برای تولید آثار ارزشمند و فاخر می‌یابند و آنها که موفق به کسب رتبه نمی‌شوند، با معیارها و الگوهای برنامه‌سازی آشنا می‌شوند و خود را برای رقابت در جشنواره آتی آماده می‌کنند. بنده با حضور در چند جشنواره، این موضوع را بکرات و به عینه دیده‌ام.

تولید نشدن برنامه‌های ویژه جشنواره

در جشنواره‌های گذشته، ما با مساله یا آفتی مواجه بودیم به نام آثار جشنواره‌ای که نمی‌توانست برآیند عملکرد یک مرکز در طول سال باشد. برخی مراکز متناسب با شناختی که از سلاقی و معیارهای داوری داشتند، آثار خاصی را با فرصت و هزینه‌های بالا تولید می‌کردند و توفیقات آنها نیز محدود به همان فضای زمانی جشنواره می‌شد. جشنواره زمانی به اهداف واقعی خود دست می‌یابد که شاخص‌ها و معیارهای آثار فاخر

و روش‌های جدید برای اثربخشی رسانه فکر کند. جزئیات منزلت‌بخشی به برندگان جشنواره‌ها، از نظر من چندان مهم نیست. ترفیع شغلی، برایی کارگاه‌هایی برای انتقال تجارب و موفقیت‌ها، استفاده مدیران مراکز و معاونت‌های مربوطه از مشورت‌های آنها به تناسب در طول سال راهکارهای مناسبی است. البته این ایده می‌تواند آفت‌هایی هم از لحاظ اشباع کاذب آنها و نیز بروز برخی اشکالات در سلسله مراتب و نظایر آن داشته باشد که شایسته بررسی است.

کشف استعدادهای جدید

جشنواره فرصت مهم و مناسبی است برای استعدادهای جوان که خود را نشان دهند. از این فرصت‌ها همیشه و همه جا پیش نمی‌آید و جوانان جوایز نام مراکز و برنامه‌سازان خوش‌ذوق باید از این فرصت پیش‌آمده نهایت استفاده را ببرند. از طرف دیگر به هر حال یکی از معیارهای ارزیابی کارکنان متخصص در مراکز همین جشنواره‌هاست. جشنواره‌ها باید محلی برای تمرین و تتبع استعدادهای خوش‌ذوق مراکز باشد. البته این ایده به شرطی محقق می‌شود که مراکز بتوانند از تمامی فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادهای جوان منطقه خودشان بهره ببرند و در تولید آثار رسانه‌ای خود، به معنای واقعی کلمه به قدرت و توان معنوی و انرژی سرشار جوانان منطقه و خزانه فرهنگ و هنر منطقه خود متکی باشند. و گرنه آثاری که در آنها از عوامل فنی و هنری مراکز دیگر بخصوص پایتخت استفاده می‌شود، نمی‌تواند نماد اقتدار رسانه‌ای و توانایی‌های جوانان منطقه بوده و در بلندمدت مراکز را از نیروی خلاق و خوش‌ذوق خالی می‌کند.

ضمن این که مراکز به حد کافی نیروهای خلاق و متفکر خود را به دلیل شکاف بالای هزینه‌ها و درآمد‌های برنامه‌سازان مراکز با برنامه‌سازان تهران، از دست می‌دهد و همین موضوع ضرورت توجه مراکز را به نیروهای جوان و مستعد منطقه بیشتر می‌کند.

برنامه‌های صبحگاهی مراکز؛ تنوع یا تکرار؟

رکسانا قهقرایی

کسب و کار حلال در برنامه بحث می‌کنیم. بسیاری از مسائل اقتصادی در برنامه مطرح می‌شود. در برنامه به مسائل دینی و مذهبی هم توجه داریم. ساعت هشت صبح به امام رضا (ع) توسل می‌جوئیم و برنامه هم با صلوات خاصه آن حضرت به پایان می‌رسد. زمان شروع پخش برنامه هم در فصل درس و مدرسه ساعت هفت و پانزده دقیقه است و در فصل تابستان به هشت صبح می‌رسد که ۴۵ دقیقه پخش دارد.



کیفیت را جایگزین کمیت کنیم
سیمای استان البرز هم از خرداد سال گذشته آغاز به کار کرده و زمان پخش برنامه‌های آن از ساعت ۱۳ تا ۳۰ دقیقه بامداد است. بنابراین برنامه صبحگاهی ندارد اما مهدی روشن‌روان، معاون سیمای این مرکز درباره برنامه‌های صبحگاهی به نکات جالبی اشاره کرد. وی با بیان این که پخش ۲۴ ساعته در سیمای مراکز ضرورت چندانی ندارد، می‌گوید: بسیاری از شبکه‌های موفق داخلی و خارجی بیشتر از ۱۱ یا ۱۲ عنوان برنامه ندارند در حالی که شبکه‌های استانی ایران بیش از ۳۰ عنوان برنامه پخش می‌کنند.

وی در همین باره ادامه می‌دهد: بنابراین بهتر است بالا بردن کیفیت برنامه‌های موجود در اولویت قرار گیرد. برنامه‌ها دارای کاراکتر بصری شوند و هویت پیدا کنند. این هویت مندی هم در لوگوی برنامه، هم در گرافیک و هم در محتوا باید دیده شود. باید رویکرد شبکه‌ها کاملاً مشخص شود و به لحاظ کنکانتور نظم بیشتری پیدا کنند، به گونه‌ای که با آمدن اسم یک شبکه کنکانتور پخش آن و برنامه‌های شاخص‌اش به ذهن بیاید.

روشن‌روان که از سال ۷۳ برنامه‌سازی را آغاز کرده با تأکید بر تغییر نگرش و دیدگاه‌های مخاطب کنونی خاطر نشان می‌کند: امروزه دیگر مخاطب منتظر نمی‌ماند تا برنامه دلخواهش را از شبکه‌های خاص تماشا کند بلکه مستقیماً به سراغ شبکه‌ای می‌رود که همیشه به موضوع دلخواه او می‌پردازد. از این رو معنای مخاطب در حال حاضر تغییر کرده است.

معاون سیمای استان البرز، عنوان برنامه صبحگاهی را کاربرد نادرستی می‌داند و می‌گوید: صبحگاه زمان پخش برنامه است در حالی که باید برای این برنامه‌ها رویکرد موضوعی تعیین شود. به طور کلی برای تولید و پخش یک برنامه باید به چند عامل زمینه، زمان پخش، مخاطب، رویکرد و موضوع توجه کرد.

برنامه‌های صبحگاهی عموماً تاک‌شو یا به اصطلاح گفت‌وگو محور هستند. این برنامه‌ها هم استانداردهای خاص خود را دارند. نباید صرفاً به گفت‌وگو محدود شوند. در طرح این برنامه‌ها باید اولویت‌بندی موضوعی را رعایت کرد. با توجه به این که زمان پخششان صبح است، وجه تفریحی و سرگرمی آنها باید پررنگ‌تر باشد، ضمن این که اطلاع‌رسانی هم اهمیت زیادی دارد.

کرمانشاه از زمانی که برنامه آن به ۲۰ ساعت افزایش پیدا کرده، برنامه صبحگاهی را هم در دستور کار خود قرار داده است، می‌گوید: برنامه سلام کرمانشاه برنامه صبحگاهی سیمای کرمانشاه است که عمری دوساله دارد. تهیه‌کنندگان این برنامه هر ۴۵ روز یکبار تغییر می‌کنند.

وی درباره علت تغییر کوتاه مدت تهیه‌کنندگان برنامه خاطر نشان می‌کند: یکی از دلایل اصلی این تغییر این است که نمی‌خواهیم برنامه دچار تکرار شود بلکه خواستار آئیم که هر تهیه‌کننده با رویه خاص خود ایده‌های نو و جدیدی را به برنامه تزریق کند. همچنین به فراخور شرایط آب و هوایی در فصل‌های مختلف سال برنامه در استودیو یا در فضای باز پخش می‌شود.

آقاجان زاده درباره توجه به معیارها و المان‌های بومی در سلام کرمانشاه می‌گوید: در این برنامه مجری به زبان فارسی صحبت می‌کند اما سایر گزارش‌ها و آیت‌ها همگی به زبان کردی است. استان کرمانشاه از تنوع قومی، لهجه‌ای و گویشی زیادی برخوردار است. بنابراین در برنامه سعی کرده‌ایم به همه این مسائل توجه داشته باشیم.

وی که حدود سه سال است معاونت سیمای مرکز کرمانشاه را برعهده دارد، با برشمردن برخی آیت‌های ثابت و متغیر این برنامه صبحگاهی ادامه می‌دهد: آیت‌های ورزش صبحگاهی و ورزش پهلوانی به واسطه این که در کرمانشاه بسیار مورد توجه است از بخش‌هایی است که معمولاً در هر برنامه وجود دارد. ضمن این که دو روز در هفته ورزشکاران زورخانه مهمان برنامه می‌شوند. همچنین در سلام کرمانشاه به ورزش بانوان هم اهمیت داده می‌شود. برای ترویج کارآفرینی و درباره

ممکن است تأکید و تمرکز بر استانداردها، این برنامه‌ها را به ورطه تکرار بیندازد. رعایت بیش از حد استانداردها در شوراهای طرح و برنامه ممکن است باعث شود به ایده‌های جدید و خلاقانه به عنوان اقدامی خارق‌العاده نگریده شود که ریسک بالایی دارند و به اصطلاح جواب نمی‌دهند.

وی در این باره می‌گوید: ریسک‌پذیری در این موقعیت خوب است. حتی اگر با درصد خطایی هم همراه باشد. برای مثال ممکن است در نگاه اول تصور شود که طرح موضوع محیط زیست برای زمان صبحگاه چندان مناسب نیست اما همین موضوع اگر در دسته‌بندی مفهومی مناسبی بگنجد و در عین حال فضای شاد و ریتمیک برنامه هم حفظ شود، موفق خواهد بود، ضمن این که خود طرح این موضوع هم تنوع ایجاد می‌کند.

تهیه‌کننده مستندهای جنگل ابر، پرور و تله‌فیلم عطر کاج - که پنج سالی است معاونت سیمای مرکز سمنان را برعهده دارد - با تأکید بر ضرورت توجه به نمادهای بومی در برنامه‌های صبحگاهی خاطر نشان می‌کند: داشتن رویکرد بومی در برنامه‌های صبحگاهی یک اصل و ضرورت همیشگی است چرا که شکل‌گیری این برنامه‌ها در سیمای استان‌ها از ابتدا با هدف توجه به ویژگی‌های بومی بوده و گرنه ما برنامه‌های صبحگاهی زیادی داریم که از شبکه‌های سراسری به پخش می‌رسند.

تهیه‌کنندگی برنامه صبحگاهی هر ۴۵ روز یک بار
علی آقاجان زاده، معاون سیمای مرکز کرمانشاه نیز درباره ضرورت‌ها و معیارهای برنامه‌های صبحگاهی نظر خود را ارائه کرد. وی با اشاره به این که سیمای

زمان پخش برنامه‌ها تأثیر زیادی بر چینی آیت‌ها و تعیین رویکرد و محتوای آنها دارد. این مساله همچنین گستره مخاطبان یک برنامه را هم تعیین می‌کند. در واقع زمان پخش یک برنامه پیش‌فرض و زمینه‌ای است که خط‌مشی‌های یک برنامه را مشخص می‌سازد. برنامه‌های صبحگاهی را باید متعلق به این دسته‌بندی دانست. این برنامه‌ها که عمدتاً از قالب برنامه‌های تریکی پیروی می‌کنند، دارای دو ویژگی مهم سرگرم‌کننده و اطلاع‌رسان هستند. ضمن این که آیت‌های زیادی را شامل می‌شوند، معمولاً از یک یا چند کارشناس کمک می‌گیرند و در گفت‌وگو با آنان هر روزه یا در بازه‌های زمانی مشخص موضوعات خاصی را بررسی می‌کنند. اگرچه برنامه‌های صبحگاهی بویژه در سیمای استان‌ها ظرفیت‌های زیادی برای پرهیز از ساختار و محتوای کلیشه‌ای دارند، اما به دلیل ویژگی‌ها و رویکردهای کلی‌شان همواره با آسیب تکراری شدن برای مخاطب روبه‌رو هستند. با تعدادی از معاونان سیمای استان‌ها راهکارهای ایجاد تنوع در برنامه‌های صبحگاهی را بررسی کرده‌ایم:

گره تکرار به دست برنامه‌سازان خلاق باز می‌شود
احمد نیک‌کار، معاون سیمای مرکز سمنان، با بیان این که در این مرکز برنامه‌های صبحگاهی روی آنتن نمی‌رود، می‌گوید: برنامه‌های سیمای مرکز سمنان به طور کلی از ساعت ۱۳ شروع می‌شوند و تا ۳۰ دقیقه بامداد روی آنتن هستند. در مقطعی مراکز می‌توانستند تعداد ساعات پخش برنامه‌هایشان را افزایش بدهند که این اتفاق برای مرکز سمنان نیفتاد. به نظر من پخش برنامه صبحگاهی در این سیمای می‌تواند یک اقدام مثبت و یک گام رو به جلو باشد اما ضرورت خاصی هم ندارد.

وی همچنین درباره ویژگی‌ها و استانداردهایی که یک برنامه صبحگاهی را از تکرار خارج می‌کند، تصریح می‌کند: به نظر من برنامه‌های صبحگاهی که در حال حاضر در سیمای استان یا حتی شبکه‌های سراسری تلویزیون در حال پخش است، هریک به فراخور شرایط خود از الگوهای خاصی پیروی می‌کند. اما اساس این نوع برنامه‌ها بر نشاط و شادابی پایه‌گذاری شده است. ارائه اخبار و اطلاع‌رسانی در آنها نقشی مهمی دارد. همچنین این برنامه‌ها واجد ویژگی سرگرم‌کننده هستند. این یک الگویی است که غالب این برنامه‌ها از آن پیروی می‌کنند هرچند این الگو هم تا حدی تکراری شده است.

نیک‌کار با اشاره به راهکارهایی برای ایجاد تنوع در ساختار و محتوای برنامه‌سازی خاطر نشان می‌کند: اگر تهیه‌کنندگی برنامه‌های صبحگاهی به برنامه‌سازانی که ایده‌های نو و فکر خلاق دارند سپرده شود ما شاهد تنوع زیادی در این قالب از برنامه‌ها خواهیم بود. گاهی

نشاط‌آور و پرشور باشد.

برنامه‌های صبحگاهی عمدتاً از قالب ترکیبی و مجله‌ای استفاده می‌کنند، موضوع محور نیستند. اگرچه در مناسبت‌ها لازم است موضوع محور عمل کنند اما در روزهای دیگر سال می‌توانند هر موضوعی را بهانه قرار دهند.

برای ایجاد تنوع در این برنامه‌ها می‌توان به سه اصل مهم اشاره کرد. نخست افزایش میزان مشارکت مردم در برنامه. برای مثال در برنامه پنجره صبح ما از هنرمندان می‌خواهیم مقابل دوربین و روی آنتن زنده به کار هنری مشغول باشند. دوم این که اجرای برنامه‌های صبحگاهی در فضای باز هم تنوع ایجاد می‌کند. سوم این که اگر مردم

در برنامه صدای خود را بشنوند عاملی برای پرهیز از تکرار است. متأسفانه گاهی تکرار به دلیل یکسویه بودن برنامه و لحن نصیحت‌آمیز مجریان ایجاد می‌شود. اما تقویت این حس در مردم که برنامه متعلق به آنهاست می‌تواند نوعی درونی در فضای برنامه زنده کند.



سید حسن آسایش، مدیر کل سیمای استان یزد:

برنامه صبحگاهی باید انرژی بخش باشد

به نظر من مهم‌ترین مولفه در برنامه‌های صبحگاهی شور و نشاط برنامه است. این برنامه‌ها در ابتدای روز پخش می‌شود. بنابراین باید برای مخاطبان انرژی بخش و شادی‌آفرین باشد و مردم را به یک روز کاری پرتلاش دعوت کند. مشکلات و دغدغه‌های اجتماعی باید در این نوع برنامه‌ها کمرنگ‌تر باشد. اگر هم مشکلی در برنامه صبحگاهی مطرح می‌شود، راهکار حل و فصل آن هم پیشنهاد شود. متأسفانه گاهی رسانه به معضلات اجتماعی اشاره می‌کند اما این صرفاً به همدردی و همدلی با مردم محدود می‌شود و در ادامه چاره‌ای برای رفع آن پیشنهاد یا راهکاری برای حلش ارائه نمی‌شود. در این صورت فضای یاس و افسردگی رواج پیدا می‌کند، حال آن که برنامه‌های صبحگاهی باید سراسر امید و تلاش و

برنامه تلویزیونی پنجره صبح که پیش از این با نام صبح یزد روی آنتن می‌رفت، برنامه صبحگاهی ویژه سیمای مرکز استان یزد است. این برنامه آیت‌های تقویم تاریخ، ورزش صبحگاهی، ارتباط تلفنی به بهانه مناسبت‌ها و پرداختن به موضوعات مختلف، صبح و سلامتی، اخبار استان یزد و کشور، صبحونه و وله مشاغل را شامل می‌شود.

در برنامه صبحگاهی پنجره صبح اگرچه ممکن است الگوبرداری‌هایی هم صورت بگیرد، اما به دلیل بومی بودن بیشتر آیت‌ها و بخش‌های آن، برنامه صورت متفاوت و متنوعی به خود می‌گیرد. برای مثال کارشناسان برنامه‌های صبحگاهی مراکز معمولاً از میان اهالی آن استان انتخاب می‌شوند. هنرمندانی که به برنامه می‌آیند، اهل همان منطقه هستند و همین مساله باعث می‌شود فضای برنامه حال و هوایی بومی به خود بگیرد.

برنامه‌های صبحگاهی زیر ذره‌بین برنامه‌سازان مراکز

خدا حافظی با قالب‌های کلیشه‌ای



دانسته، می‌گوید: ثابت ماندن نام برنامه یکی از معیارهای موفق بودن آن است. عنوان برنامه مانند هویت آن است و تغییر آن می‌تواند باعث از دست رفتن بخشی از مخاطبان شود.

تهیه جامعه آماری از مخاطبان

حسین علی رحیمی که همراه چند نفر دیگر تهیه‌کنندگی برنامه صبح اصفهان را برعهده دارد، در ابتدای صحبت‌های خود به تمهیدات انجام شده برای ایجاد تنوع در برنامه‌های صبحگاهی اشاره می‌کند و می‌گوید: صبح اصفهان تقریباً یک مجله خبری است و برای ایجاد تنوع در ساختار این برنامه، تهیه‌کننده آن هر دو هفته یک بار تغییر می‌کند. این اتفاق باعث می‌شود، هر تهیه‌کننده با ایده‌های جدید کارش را از سر بگیرد و برنامه بخش‌های بیشتری داشته باشد. خوشبختانه چنین تجربه‌ای تاکنون در برنامه موفق بوده است. البته در گذشته، زمان یک هفته‌ای برای تهیه صبح اصفهان مشخص شده بود.

وی که دو سال است تهیه‌کنندگی برنامه را برعهده دارد، درباره میزان بازنمایی المان‌های بومی در برنامه خاطر نشان می‌کند: به نظر من این بخش در برنامه بسیار تابع شرایط است. برای مثال من دو سال گذشته تهیه‌کنندگی برنامه‌ای به نام آبادی را برعهده داشتم و به چهار گوشه استان اصفهان سفر و گزارش‌هایی از مناطق مختلف آن تهیه می‌کردم. این برنامه بخش محور بود. همین اتفاق باعث می‌شد تا توانان تصویری را برای برنامه صبح اصفهان ضبط کنم و آن دوره از برنامه بسیار هم دیده شد اما اکنون بودجه برنامه امکان این سفرها را فراهم نمی‌کند، ضمن این که خود شهر اصفهان جاذبه‌های تاریخی و گردشگری زیادی دارد و می‌توان روی آن مانور داد.

رحیمی درباره ملاک‌های ضروری و استانداردهای یک برنامه صبحگاهی نیز تصریح می‌کند: برنامه‌های صبحگاهی باید نشاط آور باشند و مردم در آن محوریت داشته باشند نه مسئولان. متأسفانه گاهی کارشناسان و مهمانان در این برنامه‌ها سفارشی هستند. در حالی که تهیه‌کننده از مدت‌ها قبل بخش‌ها و موضوع برنامه‌اش را مشخص کرده است، گاه یکبار همه چیز تغییر می‌کند. ما در توانمندی و ظرفیت نیروهای انسانی مان نسبت به شبکه‌های رقیب ماهواره‌ای چیزی کم نداریم. خود من همیشه از ایده‌های جدید در برنامه استقبال می‌کنم. برای مثال همین چند وقت پیش به مناسبت روز پدر تمایل داشتم تا یک پدر را بدون این که ویژگی خاصی هم داشته باشد، به برنامه دعوت کنم.

وی همچنین با بیان این که طیف سنی بینندگان برنامه‌های صبحگاهی گسترده است، می‌گوید: باید از مخاطبان برنامه‌های صبحگاهی جامعه آماری نسبی تهیه کرد. برای مثال برنامه صبح اصفهان ساعت هشت شروع می‌شود. یعنی زمانی که کارمندان به اداره و دانشجویان و دانش‌آموزان به دانشگاه و مدرسه رفته‌اند. بنابراین مخاطبان هدف ما در این ساعات زنان خانه‌دار هستند. این پیش فرض کلی در این برنامه است که به محتوای آن هم جهت می‌دهد. مادران محور فرهنگسازی در خانواده هستند. بار اصلی تربیت فرزندان به دوش آنهاست. بنابراین اگر از طریق رسانه آموزش ببینند، آموخته‌هایشان را اجرایی و به فرزندان هم منتقل می‌کنند.

که به من می‌گویند چطور پیش بروم و چه بخش‌هایی را اضافه یا کم کنم. این اتفاق معمولاً در قالب بخشی با نام پیام آشنا می‌افتد که نظرات مردم درباره برنامه است. ما به این نظرات و دیدگاه‌ها در برنامه توجه زیادی داریم و حتی جزئی‌ترین آنها را تا حد ممکن می‌کوشیم اعمال کنیم.

تهیه‌کننده صبح به خیر گیلان - که شنبه تا چهارشنبه هر هفته از ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه از سیمای این استان روی آنتن می‌رود - با اشاره به ویژگی‌های اصلی و مهم یک برنامه صبحگاهی می‌گوید: مهم‌ترین مشخصه برنامه صبحگاهی ریمتی بودن آن و حفظ این ضرباهنگ است. اگر قرار است مهمان یا کارشناسی در حوزه مسائل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برنامه حضور یابد، در میانه صحبت‌های او بخش‌های کوتاه بخش می‌شود. گفت‌وگوها در برنامه طولانی نمی‌شود. خود من معمولاً این بخش را ۷ دقیقه‌ای در نظر می‌گیرم. البته ممکن است یک بحث بیش از این ادامه پیدا کند. بنابراین حتماً لازم است بین آن وله، آونوس یا بخشی بخش شود. ما در صبح به خیر گیلان این بخش‌ها را مرتبط با موضوع تولید می‌کنیم.

وی اضافه می‌کند: بخش جدیدی در برنامه وجود دارد که به کسب رزق و روزی حلال مربوط است. متأسفانه امروزه بحث ترازو و مشتری مدار بودن یکی از دغدغه‌های اجتماعی است که کمتر به آن توجه می‌شود. در حالی که اگر برنامه‌سازان مدتی به این موضوع بپردازند، مثل بسیاری از مسائل دیگر نظیر همیار پلیس، فرهنگسازی مناسبی درباره آن صورت می‌گیرد.

پوررحیمی با تأکید بر پرداختن به تنوع بومی استان‌ها در برنامه‌های صبحگاهی هر مرکز خاطر نشان می‌کند: معمولاً سعی می‌کنیم در هر برنامه صبح به خیر گیلان گزارشی از یک شهر استان گیلان داشته باشیم یا با فردی به نمایندگی از آن منطقه در برنامه ارتباط برقرار می‌شود. همچنین سرود منطقه و ترانه‌های فولکلوریک آن بخش می‌شود. این برنامه همچنین به تناسب شرایط آب و هوایی در محیط‌های مختلف و در فصل‌های گرم معمولاً در یک آلاچیق اجرا می‌شود.

تهیه‌کننده برنامه خجیر شبان که از سال ۷۴ کارش را در صداوسیما آغاز کرده، نام برنامه را به منزله هویت آن

امیدبخش باشند و با همه اینها آرامش را هم به مخاطبان هدیه دهند.

کاظمیان‌پور با تأکید بر این که برنامه‌های شبکه استانی خراسان رضوی، به دلیل همجواری این منطقه با مرقد امام هشتم بردی وسیع دارد، تصریح می‌کند: برنامه صبح به خیر خراسان به دلیل این که از مشهد مقدس پخش می‌شود، مخاطبان زیادی دارد به همین دلیل در این برنامه باید به گویش‌های مختلف توجه داشت. سعی کردیم این برنامه را از قالب‌های تکراری و مرسوم برنامه‌های صبحگاهی خارج کنیم. به نظر من عموماً برنامه‌های صبحگاهی مراکز استان‌ها در این زمینه موفق عمل کرده‌اند.

وی همچنین با اشاره به این که گاهی میزان پیامک‌های دریافتی در این برنامه فراتر از مرز ۵۰ هزار می‌رود، درباره استانداردها و معیارهای مهم و اساسی در برنامه‌های صبحگاهی خاطر نشان می‌کند: به نظر من محتوای برنامه‌های صبحگاهی بیشتر از فرم و ساختار آن مهم است. این برنامه‌ها باید روحیه نشاط و شادی را در مردم ایجاد کنند، اخبار و اطلاعات به روز در اختیار مردم قرار دهند و به قشر بانوان توجه ویژه داشته باشند.

نام برنامه، هویت آن است

سپرنگ پوررحیمی، تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی صبح به خیر گیلان نیز در پاسخ به این سوال که آیا این برنامه براساس الگوهای متداول در برنامه‌های صبحگاهی روی آنتن می‌رود یا نه، می‌گوید: سعی می‌کنم در این برنامه الگوبرداری‌هایی از دیگر برنامه‌های صبحگاهی بویژه آنها که موفق هستند، داشته باشم. برای مثال از اواخر دهه ۷۰ که شبکه باران افتتاح شد، مردم از بخش‌های طنز استقبال زیادی کردند و همین مساله باعث شد در این برنامه هم نیم نگاهی به آنها داشته باشیم. از طرفی توجه به بخش‌ها و بخش‌های بومی استان گیلان که می‌تواند در بازارهای محلی و منطقه‌ای مردم آن ضبط شود، کم بود و ما از این فرصت به نفع برنامه استفاده کردیم.

وی درباره رویه و اصل اساسی در برنامه صبح به خیر گیلان هم می‌گوید: به‌طور کلی روال صبح به خیر گیلان به این صورت است که من برنامه را ابتدا براساس ایده‌ها و فکر خودم شروع می‌کنم اما در ادامه مخاطبان هستند

برنامه‌سازان و دست‌اندرکاران تهیه یک برنامه به‌واسطه رویارویی بی‌واسطه و مستقیم با جریان تهیه و تولید برنامه، مشارکت در روند سوزیهایی و پیش بردن اهداف و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلندمدت می‌توانند در کالبدشناسی محتوایی و ساختاری انواع برنامه‌ها و قالب‌های برنامه‌سازی در تلویزیون دیدگاه‌های مناسب و کاربردی ارائه دهند.

همچنین بسیاری از این برنامه‌سازان به دلیل سال‌ها فعالیت در بخشی خاص یا آشنایی با تکنیک‌های قالبی مشخص از برنامه‌ها در آن تجربه زیادی دارند و رویکردشان به مباحث تخصصی است. در این گزارش، نظر گروهی از تهیه‌کنندگان برنامه‌های صبحگاهی سیمای مراکز را درباره آسیب‌های تکرار در این ژانر جویا شده‌ایم و آنان راهکارهایی را برای خارج شدن از قالب‌های کلیشه‌ای ارائه کرده‌اند:

برنامه صبحگاهی؛

امیدبخش، شور آفرین و اطلاع‌رسان

علی محمد کاظمیان‌پور، تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی صبح به خیر خراسان ابتدا با ارائه توضیحاتی درباره بخش‌های مختلف برنامه می‌گوید: برنامه «صبح به خیر خراسان»، برنامه صبحگاهی استان خراسان رضوی است که هر روز بجز جمعه‌ها ساعت ۷ تا ۹ صبح از سیمای این مرکز پخش می‌شود. این برنامه ابتدا با سلام به امام (رضاع) آغاز می‌شود. ورزش صبحگاهی و زورخانه‌ای از دیگر بخش‌های آن است. ما به صورت هفتگی موضوعات مختلفی را در برنامه بررسی می‌کنیم. همچنین با شهرستان‌های اطراف ارتباط داریم که طی آن مسائل و مشکلاتشان در برنامه مطرح و بدقت بررسی می‌شود. گزارش‌های مردمی، معرفی مناطق و جاذبه‌های گردشگری استان، پخش سرودهای محلی، ارتباط تصویری با مناطق شهری برای بررسی اوضاع ترافیک و آب و هوا همگی از دیگر بخش‌های برنامه هستند.

وی که بیش از چهار ماه است تهیه‌کنندگی این برنامه را برعهده گرفته، درباره ویژگی‌های یک برنامه صبحگاهی که آن را متنوع می‌سازد، می‌گوید: برنامه‌های صبحگاهی باید شور و نشاط خاصی داشته باشند، اطلاع‌رسان باشند،

یوسف افشارنیا، مدیرکل سیمای کهگیلویه و بویراحمد:

لحاظ کردن سلیقه مخاطب در برنامه‌های صبحگاهی



میزان مولید کمتر شده و پایین‌ترین آمار آن به کهگیلویه و بویراحمد مربوط است، بنابراین در برنامه خانواده مهر با هدف ترویج ازدواج آسان و ترغیب خانواده‌ها به ازدواج فرزندانشان به سیاست‌های جمعیتی توجهی خاص داریم.

همچنین برای ایجاد تنوع در این برنامه تلاش کرده‌ایم تا الگوی برنامه‌های صبحگاهی شبکه‌های سراسری را از همان ابتدا کنار بگذاریم. از این رو محتوای برنامه بر اساس نیاز مخاطبان و مسائل فنی و ساختاری برنامه هم بر اساس ویژگی‌ها و مولفه‌های بومی و منطقه‌ای تعیین می‌شود. بنابراین نشان دادن آیین و رسوم منطقه به‌واسطه لباس، استفاده از گویش و لهجه و لوکیشن در برنامه مورد توجه است. همچنین از به کار بردن ساختارهای موازی هم در برنامه پرهیز کرده‌ایم.

مخاطبان اصلی برنامه ما هستند. برای مثال برنامه «خانواده مهر» زمانی پخش می‌شود که مردان در محل کار هستند و دانش‌آموزان و دانشجویان هم مدرسه و دانشگاه. بنابراین مخاطبان اصلی این برنامه زنان خانه‌دار هستند. اما در فصل تابستان که اوقات فراغت دانش‌آموزان و دانشجویان فرامی‌رسد، زمان برنامه هم متناسب با آن به ساعت ۹ تغییر می‌کند و مخاطبان هم کلی‌تر و طیف‌شان گسترده‌تر و عام‌تر می‌شود. بنابراین محتوای برنامه هم تغییراتی را پشت‌سر می‌گذارد. با توجه به این که در سال‌های اخیر آمار طلاق و سن ازدواج بالا رفته و

برنامه تلویزیونی کهگیلویه و بویراحمد برای زمان صبحگاه خانه مهر است که با محوریت موضوع زن و خانواده روی آنتن می‌رود. این برنامه هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۱ پخش می‌شود و دارای بخش‌های مختلفی همچون پزشک خانواده، آموزش غذاهای محلی، معرفی مشاغل، زنان کارآفرین، معرفی خانواده‌های موفق و طرح موضوع سیاست‌های جمعیتی است. علت انتخاب این زمان هم برای پخش برنامه بر اساس نیازسنجی است که از بینندگان صورت گرفته است.

به نظر من استانداردهای یک برنامه صبحگاهی در درجه اول به لحاظ کردن مخاطبان هدف برمی‌گردد. باید بدانیم که کدام گروه اجتماعی



محمدعلی کشاورز:

سرزمین ما پر از لهجه‌های شیرین است

به نظر من برپایی این جشنواره بسیار خوب و موثر است و به واسطه این گونه برنامه‌ها می‌توانیم منتظر اتفاقات بهتری در حوزه رسانه باشیم بخصوص این که جوان‌ترها با امید و اشتیاق بیشتری در مسیر حرکت می‌کنند و متوجه می‌شوند که افرادی هستند که کارهای استان‌ها را دیده و مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ضمن این که جشنواره استانی کمک می‌کند که متوجه ضعف آثار

گذشته شویم و با کسب تجربه‌های تازه کارهای موفق‌تری را در آینده بسازیم و در این میان کارگردان‌های مطرح هم نیز فرصت پیدا می‌کنند تا از نزدیک هنرمندان جوان را ببینند و با آنها همکاری کنند.

امیدوارم در جشنواره امسال شاهد برنامه‌های بهتری نسبت به سال گذشته باشیم و داوری‌هایمان هم به گونه‌ای باشد که به قول معروف حق را به حقدار برسانیم تا دل کسی نرنجد. به نظرم باید به استعدادها و هنرمندان استان‌ها رسیدگی شود و راه برای تعالی آنها هموار شود ضمن این که باید بگوییم چه خوب می‌شد اگر هر شهرستانی بنا به لهجه‌ای که دارد برنامه‌هایش را پخش کند چون قرار نیست همه به یک زبان حرف بزنند ایران با تمام لهجه‌هایی که در خود جای داده است زیباست. چرا مثلا یک هنرمند یزدی لهجه شیرینی خود را پنهان می‌کند این کار درست نیست.

بچه‌های ما حق دارند با توجه به این کانال ارتباطی با سرزمین خود بهتر و بیشتر آشنا شوند. بنا براین من موافق این که همه باید لهجه فارسی داشته باشند نیستیم و امیدوارم مسئولان مربوطه به این موضوع بیش از پیش توجه کنند. به هر حال از این طریق برپایی این جشنواره را به همکاران خود تبریک گفته و امیدوارم همه اینها دست پر به خانه‌هایشان بازگردند.

جواد افشار، کارگردان:

خوشحالم که با بازیگران جنوبی کار کردم



به نظرم برگزاری جشنواره مراکز استان‌ها بسیار اتفاق مبارکی است. چرا که هنرمندان شهرستانی و مسئولان صداوسیما می‌توانند با هم در یک محیط دوستانه تبادل نظر کنند و تجربیات خود را در اختیار یکدیگر بگذارند و مسئولان نیز می‌توانند از نزدیک متوجه مشکلات همکاران خود در شهرستان‌ها باشند. این چنین جشنواره‌هایی موجب رشد و تعالی برنامه‌ها در حوزه‌های مستند نیز می‌شود که همه به نفع مدیران و هنرمندان خواهد بود و به گونه‌ای می‌تواند پاسخگوی سلیقه مخاطبان باشد چقدر خوب است که در چنین جشنواره‌هایی به کارهای هنرمندان شهرستانی توجه و کارهای آنها ارزشمند شمرده می‌شود.

در مورد تعدد شبکه‌های استانی در طی سال‌های اخیر هم باید بگوییم که از یک طرف این تمرکززدایی خوب است ولی از یک طرف ممکن است وجود این همه شبکه استانی موجب شود که کیفیت کارها پایین بیاید چون برنامه‌سازی و آنتن پر کردن کار آسانی نیست. بنابراین اگر می‌خواهیم کاری انجام دهیم بهتر است که با دقت و درایت آن را انجام دهیم تا مخاطب هم اعتمادش را نسبت به ما از دست ندهد و بهتر است که کارهای متوسط و زیر متوسط نداشته باشیم. در مورد کارکردن با بازیگران شهرستانی هم به عنوان یک کارگردان باید بگوییم که بسیار اتفاق خوبی است. من برای ساخت سریال کیمیا از بازیگران جنوبی بهره گرفتم که بازیگران بسیار با استعدادی بودند و خوشحالم که با آنها کار کردم. باور کنید بعضی از این‌ها ظرفیت‌های بالایی داشتند و خوشحالم که توانستم در این سریال از آنها کمک بگیرم. به هر حال امیدوارم در جشنواره هجدهم نیز اتفاقات خوشایندی بیفتد و از این به بعد شاهد کارهای مفیدتر و سازنده‌تری در شبکه‌های استانی‌مان باشیم.

مجید مظفری:

باید گام‌های بلندتری برداشت



برگزاری جشنواره تولیدات مراکز می‌تواند یک اتفاق باشد و از این نظر با برپایی این جشنواره بسیار موافق هستیم، زیرا تجربه نشان داده است که برپایی این گونه جشنواره‌ها می‌تواند در رسیدن به افق‌های روشن‌تر در حوزه رسانه و برنامه‌سازی بسیار موثر باشد. اما نکته‌ای که بسیار مهم است و باید به آن اشاره کنیم این است که بهتر است هر شهرستانی با هنرمندان خودش کار کند به هر حال هر مدیری که در شهرستان فعالیت می‌کند بهتر است از هر کس دیگری با مشکلات و مسائل روز شهر خود آشناست. پس بهتر است فضایی به وجود آوریم که استعداد شهرستانی شکوفا شود. ضمن این که چه خوب است سعی کنیم جشنواره‌های استانی با یک رقابت سالم برگزار شود.

اگر نقاط ضعف و قوت‌مان را ببینیم و به بحث آموزش بیش از اینها بپردازیم، زودتر رشد خواهیم کرد و به موفقیت خواهیم رسید. نکته دیگر این که فیلم یا سریالی که در شهرستان‌ها ساخته شود بهتر است که متناسب با زبان، سنت و فرهنگ همان شهر ساخته شود، چون مردم شهرهای دیگر هم می‌توانند با ویژگی‌های این شهر از این طریق آشنا شوند. مساله دیگری هم که وجود دارد این است که متأسفانه بودجه‌ای که در اختیار مراکز استان‌ها قرار می‌گیرد بودجه کمی است و برای همین هنرمندان شهرستانی کمتر می‌توانند کارهایشان را بسازند و از این نظر برابری بین هنرمندان شهرستانی و تهرانی وجود ندارد. امیدوارم با برگزاری این جشنواره بتوانیم مشکلات‌مان را حل کنیم تا پله‌های ترقی را طی کرده و هر روز با مخاطبان بیشتری روبه‌رو شویم. من هم شبکه‌های استانی را نگاه می‌کنم چون تاکنون با خیلی از مراکز استان‌ها کار کرده‌ام و از این شبکه‌های استانی بیشتر شبکه‌های فارس، خراسان و اصفهان را می‌بینم چون می‌خواهم از این طریق با کارها و سنت‌هایشان آشنا شوم.

رویای تیموریان، داور بخش نمایشی جشنواره هجدهم:

تولیدات مراکز رشد کمی و کیفی داشته است

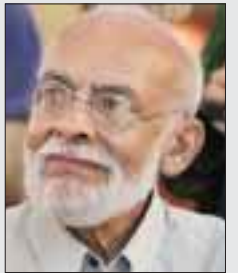


به نظر من آثار ارائه شده در جشنواره هجدهم تولیدات مراکز استانی نسبت به سال‌های گذشته از رشد کمی و کیفی خوبی برخوردار است که با بررسی تمام آثار ارائه شده می‌توان فهمید فیلم‌های تلویزیونی، سریال‌ها، نماهنگ‌ها و تئاترهای تلویزیونی با اتکا به نیروهای استانی تولید شده و از کیفیت خوبی برخوردار است.

این در حالی است که برخی آثار از سطح بسیار بالایی برخوردار و برای داوران امیدوارکننده بودند که این موضوع اتفاقی خوب و امیدوارکننده برای مراکز استان‌هاست. همان‌طور که ما در شبکه‌های سراسری با مشکل فیلمنامه مواجه هستیم، برخی آثار استانی نیز گریبانگیر این معضل بوده و فیلمنامه‌ها از جذابیت و تازگی برخوردار نبودند. البته فیلمنامه‌هایی هم با پرداخت خوب، شخصیت‌ها و روند شکل‌گیری داستان توانستند امتیازهای خوبی را به دست بیاورند. خوشبختانه با مدیریت خوب در مراکز استان‌ها افراد هنرمند بخوبی شناسایی شده و فضا و امکانات لازم برای فیلمسازی در استان‌ها فراهم شده است. به نظر من در حال حاضر باید برای آموزش این افراد نیز برنامه‌ریزی کرد تا آنها بتوانند با شناخت تخصصی حوزه خود کارهای موثرتری را تهیه و تولید کنند. باتوجه به این که تلاش شده بود هنرمندان و عوامل فنی از استان‌ها انتخاب شوند و به نوعی کادرسازی در این بخش صورت بگیرد، فکر می‌کنم مراکز استان‌ها توانسته با سرمایه‌گذاری در این بخش به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کند، اما این راه باید به صورت هدفمند ادامه داشته باشد. به نظر من بخش کارگردانی آثار موفق‌تر از بخش‌های تخصصی دیگر بود و خوشبختانه با شناسایی کارگردان‌های جوان آثار مطلوبی در مراکز استان‌ها تولید شده است. همچنین نماهنگ‌های کمی در جشنواره شرکت کرده بودند، اما در آثار ارائه شده پیوند خوبی بین موسیقی و تصاویر وجود داشت.

مهدی فقیه، بازیگر:

ضرورت روحی تازه در کالبد تولیدات مراکز



برگزاری جشنواره تولیدات مراکز استانی می‌تواند روح تازه‌ای در کالبد تولیدات ما بدمد که بسیار خوش و شیرین است و می‌تواند سرآغاز قدم‌های تازه‌ای باشد، ضمن این که این جشنواره پهنه‌ای می‌شود که هنرمندان حتی شهرستانی‌ها بتوانند بعد از مدت‌ها دور هم جمع شوند و با هم تبادل نظر کنند. خوشبختانه باید گفت که در سال‌های اخیر شاهد اتفاقات خوبی در استان‌ها

بودیم. برنامه‌سازی‌ها بسیار خوب و قابل قبول بوده‌اند و اتفاقات بزرگی در حوزه رسانه در شهرستان‌های ما طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است که باید اینها را به فال نیک بگیریم. اما مساله‌ای که باید سعی کنیم خودمان آنها را تقویت کنیم بحث نگارش فیلمنامه است. ما باید بتوانیم در حوزه فیلمنامه سطح آثارمان را بالا ببریم و کیفیت آنها را ارتقا دهیم. اگر در این حوزه بتوانیم موفق عمل کنیم قطعاً آثار بهتر و مطلوب‌تر خواهد شد ضمناً ما باید بتوانیم مفاهیم انسانی را به مردم یادآوری کنیم.

مساله دیگری که مایلیم به آن اشاره کنم این است که باید بتوانیم پتانسیل آثار شهرستان‌ها را زیاد کنیم و بودجه‌های بیشتری برای آنها در نظر بگیریم و چه خوب است که این امکانات را در اختیار مراکز استان‌ها قرار بدهیم تا کمتر کسی مجبور شود برای کار به تهران بیاید و از این نظر از خانواده‌اش دور بماند. مثلاً خود من با ۶۸ سال سن مجبورم برای کارم به تهران بیایم. در حالی که اگر امکانات شهرستانی‌ها هم مانند تهران باشد دیگر کسی مجبور نیست در این راه‌های سخت رفت و آمد کند اما در عین حال با برگزاری این جشنواره‌ها موافق هستیم و امیدوارم در جشنواره هجدهم برای مسئولان و هنرمندان اتفاقات خوبی رخ دهد.

جهانگیر الماسی:

برگزاری این جشنواره اتفاق مبارکی است



به نظر من هنرمندان شهرستانی ما بسیار آدم‌های مهربان و با مسئولیتی هستند که دغدغه کار خوب کردن به مراتب از هر پول و درآمدی برایشان مهم‌تر است. آنها به وظیفه اجتماعی و ملی خود بخوبی واقف هستند و شادیم که با بودجه‌های کم چه آثار درخوری را خلق می‌کنند که این البته خود جای تحسین دارد. گاهی اینقدر کارهای استانی ما خوب هستند که آدم را حیرت‌زده می‌کنند چون خودم سال‌ها پیش داوری این جشنواره را به عهده داشتم و از نزدیک با آنها و کارهایشان آشنا هستم و برای همین می‌دانم که چه هنرمندان مسئول و خوش‌فکری هستند. در این سال‌ها سریال‌ها و کارهای زیادی از مراکز دیدم که فوق‌العاده بودند و ماندگاری‌شان از نظر من قطعی بود. هنرمندان

شهرستانی خیلی خوب می‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند. آنها هیچ‌گاه مردم را به هر قیمتی نخواندند و یا نگریانده‌اند. به عبارتی می‌شود گفت عوام‌فریبی نکرده‌اند. آنها هر چه در ظاهر و باطن کارشان وجود داشته است با مخاطبان تقسیم کرده‌اند که به نظرم این میزان صداقتی که با مخاطب خود دارند، قابل ستایش است و به نظر من در این شرایط است که یک رسانه و یک برنامه درست شکل می‌گیرد و ماندگار می‌شود. به هر حال من برای این گونه هنرمندان احترام ویژه‌ای قائل هستم. برگزاری این جشنواره‌ها هم فرصتی است برای هم‌اندیشی بیشتر و دوستی‌های عمیق‌تر. این جشنواره‌ها می‌توانند جهشی باشد برای خلق آثار با کیفیتی‌تر و مقبول‌تر. می‌خواهم از همین‌جا به مدیران صداوسیما تبریک بگویم که با این کار زیبایی‌شان شعله گرمابخش معرفت را روشن نگاه داشته‌اند و برای همکاران استانی خود ارزش قائل‌اند. خدا را شکر در چند سال اخیر هم نیز جهش خوبی را در آثار استانی خود مشاهده کرده‌ایم که بسیار اتفاق مبارکی است. و چه خوب است که به واسطه آثار گوناگون استانی خود می‌توانیم از آیین کشورمان پاسداری کنیم و هویت ملی ایرانی‌مان را به جهانیان عرضه کنیم.

پروانه معصومی:

فرصتی برای آشنایی بالمجه‌ها و سنت‌ها



کلمه جشنواره ناخودآگاه ذهن آدمی را به سمت رقابت و شاید هم مسابقه سوق می‌دهد و بی‌شک مسابقه چیز بدی نیست و حتی باعث ترقی انسان نیز می‌شود. طبیعتاً وقتی جشنواره تولیدات مراکز پربار شود پس از آن باید منتظر اتفاقات خوب و خوشی باشیم و قطعاً باید با آثار با کیفیتی روبه‌رو شویم. نکته‌ای که مایلیم به آن اشاره کنیم این است که در بعضی از برنامه‌ها و بخصوص سریال‌های شهرستانی بازیگران فارسی معیار صحبت می‌کنند در حالی که بهتر است در شهرستان‌ها با لهجه و فرهنگ همان شهر صحبت کنند. اگر این اتفاق بیفتد خیلی بهتر است چرا که مردم شهرهای دیگر هم می‌توانند براحتی با لهجه و سنت‌های شهرستان‌های دیگر آشنا شوند.

البته در بین استان‌های مختلف تنها استانی که به این موضوع توجه ویژه‌ای دارد به نظر آذربایجان است. برنامه‌های این مرکز کاملاً به زبان ترکی بوده و نهایت کاری که انجام می‌دهند این است که زیرنویس می‌گذارند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم این است که امیدوارم در جشنواره هجدهم شاهد داورهای خوبی باشیم و اگر واقعا برنامه‌های از سطح تکنیکی خوبی برخوردار نیست به آن جایزه داده نشود. چون در این صورت هنرمندان می‌توانند با نقاط ضعف خود آشنا شوند و سال آینده با اتفاقات بهتری به جشنواره برگردند.

من شخصاً از بین شبکه‌های استانی شبکه‌های شمال کشور و آذربایجان را بیشتر می‌پسندم با این وجود امیدوارم مسئولان مربوط بتوانند بودجه مراکز را بالا ببرند تا برنامه‌های استانی هم رشد کنند و با کیفیت بهتری عرضه شوند. بهتر است برای تولید یک اثر در یک شهرستان خاص از هنرمندان همان خطه استفاده شود. مثلاً برای تولید یک سریال در شیراز از هنرمندان شیرازی استفاده کنند. این که یک فیلم در شهر شیراز ساخته شود اما عوامل آن تهرانی باشند اصلاً کار درستی نیست و ضربه بدی به هنرمندان آن شهرستان خواهد زد.

محمود پاک‌نیت:

جشنواره، حامی خوبی برای جوان‌های برنامه‌ساز



واقعیت این است که هر جشنواره‌ای باعث می‌شود گروه‌های برنامه‌ساز در مراکز صداوسیما در عرصه‌های مختلف برنامه‌سازی محک زده شوند. از نظر تخصصی روی آثارشان نظر داده می‌شود و از همین طریق کیفیت کارهایشان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از جشنواره هم برگزیدگان، انگیزه کاری بالایی پیدا می‌کنند.

وقتی برنامه‌سازان استانی باهم رقابت می‌کنند، قطعاً تلاش می‌شود سال آینده آثار بهتری به جشنواره ارائه شود. از طرفی وقتی برنامه‌سازان و مدیران شبکه‌های استانی دور هم جمع می‌شوند، هم‌اندیشی و تبادل نظر اتفاق می‌افتد و این هم اقدام موثری است که باعث می‌شود ذوق و خروش کاری خوبی بین برنامه‌سازان رخ دهد. وقتی جشنواره برگزار می‌شود صداوسیما مرکز هر استانی به نقاط ضعف کارش پی می‌برد و درصدد رفع نقاط ضعف برمی‌آید تا سال آینده بهتر در جشنواره ظاهر شود و نقاط قوتش را هم پرورش می‌دهد.

درصد بیشتر برنامه‌سازان استانی جوانان هستند، به نظر آنها استعداد و توانایی زیادی دارند. خاطر هست سالی که در جشنواره شرکت کردم با مستندساز مستعدی به نام آقای صافی آشنا شدم که البته دیگر شاید سنی از او گذشته باشد. او از بوشهر یک اثر مستند به جشنواره ارائه داده بود که همه کارهای آن مستند را خودش انجام داده بود. شبکه‌های استانی ما در مضیقه مالی هستند و او هم اثرش را با بودجه کمی ساخته بود، اما همین مستند با آثاری که از شبکه‌های همچون بی‌بی‌سی پخش می‌شود، برابری می‌کرد و قابل رقابت بود. او با بودجه کم، اثر ارزشمندی تولید کرده بود که با کارهایی با بودجه‌های کلان قابل قیاس بود. چنین موضوعی بسیار مهم است و نشان می‌دهد که برنامه‌سازان ما افراد توانمندی هستند و کافی است امکانات خوبی در اختیارشان بگذاریم.

ما جوان‌های فعالی داریم که فقط حمایت می‌خواهند و به نظر جشنواره حامی خوبی برای جوان‌های برنامه‌ساز است.

امیر حسین شریفی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون:

جشنواره، جایی برای دیده شدن تولیدات مراکز



وقتی جشنواره تولیدات رادیو - تلویزیونی مراکز استان‌ها برگزار می‌شود، یعنی جایی برای دیده شدن تولیدات مراکز استان‌ها وجود دارد. آثار خوب تشویق می‌شود و این هم یعنی وقتی برای کاری زحمت کشیده می‌شود حتماً مورد توجه قرار می‌گیرد. اکثر برنامه‌سازان استانی جوانان توانمندی هستند و برای تولید آثار خوب آمادگی دارند.

من ۱۱۴ اثر ساخته‌ام که از این بین دو سریال و دو تله‌فیلم محصول معاونت سیمای استان‌ها بوده است. دو تله‌فیلم «تب برفکی» و «تاوان» را برای شبکه اصفهان تولید کردم که هر دو از جشنواره مسکو جایزه گرفتند. به‌عنوان تهیه‌کننده‌ای که با معاونت سیمای استان‌ها همکاری کردم، معتقدم در این بخش قدر و ارزش کار خوب را می‌دانند. مدیران این معاونت مایل هستند آثار خوب و باکیفیت تولید کنند، به همین دلیل روی فیلمنامه نظارت و دقت بسیار خوبی وجود دارد و حساسیت روی فیلمنامه نیز باعث تولید آثار خوب می‌شود.

من سعی می‌کنم در اصفهان که جزئی از وطنم است، کار کنم تا جوانان مستعد آن دیار با من همکاری کنند و آموزش ببینند. به نظر وقتی هنرمندان مشهور در مراکز استان‌ها کار می‌کنند، برنامه‌سازان استانی هم باید استقبال کنند و تعامل و همکاری خوبی داشته باشند و از فرصت پیش آمده بدرستی بهره‌برداری کنند.

جشنواره تولیدات رادیو - تلویزیونی مراکز استان‌ها، برتر از جشنواره‌های دیگری است که برگزار می‌شود، مثلاً در جشنواره جام‌جم فقط آثار شبکه‌های سراسری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اما در این جشنواره تولیدات تمام ۳۳ استان باهم رقابت می‌کنند و این یعنی همه ایران درگیر این جشنواره می‌شوند. امیدوارم این جشنواره ادامه پیدا کند تا کمک شایانی به برنامه‌سازی در مراکز استان‌ها شود.

خسرو رسولی، برنامه‌ساز رادیو زنجان: نبود جشنواره مراکز تولید را از ریتم می‌اندازد



همیشه معایب باید در کنار مزیت‌ها دیده شود، ضمن این که باید نگاه سیاه و سفید نداشته باشیم. یکسری محدودیت‌ها از نظر بودجه و منابع مادی در مراکز استان‌ها وجود دارد که می‌تواند در تولید برنامه تأثیرگذار باشد، اما مزیت‌هایی هم دارد این که تنوع فرهنگی در مراکز مختلف پیدا کنید که می‌تواند دستمایه خوب برای تولید قرار گیرد. از دیگر نکات مثبت این که زمان‌های خالی را که ممکن است در

شهرهای بزرگ از دست بدهید می‌توانید در مراکز برای کار کردن بگذارید در واقع به نوعی فراغت در مراکز مزیت محسوب می‌شود. جاهای کوچک مشکلات خاص خود را دارد که البته زیاد قابل اعتنا نیست. نکته قابل تأمل دیگر این است، کسی که عاشق کار است به حمایت نیاز ندارد. زمانی که کاری را شروع می‌کنیم نباید به حمایت و جایزه فکر کنیم، زیرا کسانی که کارشان را دوست دارند دنبال پیدا کردن حامی نیستند، سوژه را پیدا می‌کنند و خودشان اثر را تولید کرده و در عرصه‌های جهانی شرکت می‌کنند، اما بستگی به شرایط و مکان و زمان هم دارد. ممکن است مدبری داشته باشیم که ایده متفاوتی داشته باشد. از همه استعدادها حمایت می‌شود، اما ممکن است اندازه آن حمایت، متفاوت باشد.

راستش را بخواهید با همین ایده در بسیاری از جشنواره‌ها برنده شده و جایزه گرفته‌ام. در جشنواره هفتم بین‌المللی رادیو برنده شدم، سال ۲۰۰۹ برنده جایزه abu در بخش اطلاع‌رسانی و سرگرمی ۲۰۱۰ برای ساخت انتری جزو ۱۰ برنامه برتر بودم که مدال طلایی جایزه urti را گرفتم. من معتقدم جشنواره تولیدات استانی باید هر سال برگزار شود، زیرا در اهالی تولید و گزارشگرها ایجاد انگیزه می‌کند، ضمن این که در زمینه تولید بسیار کمک می‌کند و بازار مراکز استان‌ها را رونق می‌دهد. حضور برنامه‌سازها در این جشنواره در روند و آینده کاری آنها تأثیرگذار است. این جشنواره می‌تواند جوانان با استعداد را شناسایی کند. نبود چنین جشنواره‌هایی تولید را از ریتم می‌اندازد. جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها باعث تحرک و شور و شوق در جوان‌ها می‌شود و به نوعی این جشنواره می‌تواند دوییدن خون تازه در تولید و در روح فیلمسازان جوان باشد؛ این فرصت را باید مغتنم بدانیم و از آن استفاده کنیم.

جشنواره تولیدات مراکز ایجاد انگیزه، انتقال تجربه

پیام امیری

بیشتر از چهار سال از آخرین باری که خانواده بزرگ رسانه ملی به بهانه جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها دور هم جمع شده بودند، گذشته و در این مدت فقط خاطرات هدهد زرین جشنواره هفدهم در اذهان باقی‌مانده است.

شاید آن روزها منتقدان جشنواره، برگزاری آن را بی‌ثمر و فقط هزینه‌بردار برمی‌شمردند یا گروه دیگری که خوشبین‌تر بودند، جشنواره را فرصت مغتنمی برای تجدید دیدار با همکاران فرض می‌کردند، اما خاموشی چراغ جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها در چهار سال گذشته به نوعی جای خالی آن را در میان اهالی رادیو و تلویزیون بیشتر محسوس کرد.

پرواضح است که، فقط داورهای آثار منتخب هنرمندان سختکوش مراکز استان‌ها و ایجاد رقابت میان اصحاب هنر برای تولید آثاری فاخر و ماندگار و کسب عناوین برتر، از فواید بزرگ‌ترین گردهمایی هنرمندان رادیو و تلویزیون نبود، بلکه جشنواره میدان بزرگی برای انتقال تجربیات نسل دیروز و امروز رسانه ملی برای معرفی هنری برگرفته از آرمان‌های ارزشی و انقلابی با رویکرد تقویت باورها و فرهنگ‌های بومی و محلی است.

اگرچه شاید برخی صاحب‌نظران بر این باور باشند که هر جشنواره‌ای می‌تواند میدانی برای تضارب افکار و انتقال تجربیات باشد، اما تفاوت و ویژگی عمده جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها در این است که هنرمندان این میدان هر کدام نماینده خرده‌فرهنگ‌ها و آیین و سنن منطقه‌ای هستند به گستره پهناور کشورمان که بار حفظ و تعالی فرهنگ و تمدن این سرزمین را به دوش می‌کشند.

به‌طور قطع و یقین با حفظ آیین‌های بومی و محلی است که فرهنگ ناب ایرانی - اسلامی شکل واقعی به خود می‌گیرد و صد البته یکی از راه‌های تقویت این خرده‌فرهنگ‌ها، قرار گرفتن همه آنها در میدانی بزرگ است که در جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها ظهور می‌کند. البته مصداق بارز این ادعا می‌تواند مروری بر آثار فاخر و ماندگار به جا مانده در آرشیو جشنواره‌های گذشته باشد.

از سوی دیگر جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها فرصتی است برای هنرمندان بی‌نام و نشان یا جویای نام که در رسانه استانی خوش درخشیدند، اما هیچ‌وقت مجالی برای دیده شدن در عرصه ملی پیدا نکردند. قفل در دبیرخانه جشنواره تولیدات مراکز در چهار سال گذشته، انگیزه هنرمندان جوان برای خلق آثاری فاخر و ماندگار را کمرنگ کرده بود و این بی‌انگیزگی در بازه زمانی طولانی تأثیر منفی بر کیفیت آثار تولیدی مراکز بر جای گذاشت، زیرا که هنرمند میدانی برای رقابت و معرفی اثر نداشته است.

از این‌رو جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها می‌تواند نقش متمایزی در ایجاد انگیزه، پویایی و نشاط برای هنرمندانی ایجاد کند که با حداقل امکانات به دنبال تولید اثری هستند که حداکثر تأثیرگذاری را برای مخاطبان داشته باشد و این همان مسیر تعالی فرهنگی رسانه‌هاست که جامعه را نیز به دنبال خود همراه خواهد کرد.

امید است جشنواره هجدهم با روشن کردن دوباره چراغ جشنواره تولیدات مراکز استان‌ها فرصتی ایجاد کند تا خانواده بزرگ رسانه ملی نقش فرهنگساز خود را متجلی سازد.

نیروها در مراکز استان‌ها بادل و جان کار می‌کنند

مسعود خسروی

تهیه‌کننده شبکه استانی صدای خراسان جنوبی

در مراکز استان‌ها، محدودیت‌هایی وجود دارد. از جمله مشکلات اصلی در خراسان جنوبی کمبود نیرو و دوره‌های آموزشی است که نیروهای ما در این استان باید با پنج نیروی رسمی با مراکز دیگر که سال‌هاست که برنامه دارند، برابری کنند. این کمبود نیرو که بشدت به چشم می‌خورد، باید رسیدگی شود. اگر دقت کرده باشید، در مراکز استان‌ها بیشتر کارها دوستانه انجام می‌شود، اما با وجود این هر سال در بخش بین‌الملل مقام آورده‌ایم، ضمن این‌که در جشنواره‌های بین‌المللی مختلفی هم موفق به کسب جایزه شده‌ایم. در مرزها گزارش‌های بسیار قوی داشتیم که از مرکز پخش شد که هزینه این گزارش‌ها بسیار کم بود، اما همه اینها موفق به کسب جایزه شد و حق‌الزحمه ما از طریق این جوایز تامین شده است.



باید توجه داشت که در بسیاری از روستا سوره‌های خوبی پیدا می‌شود که تا به امروز دنبال آنها رفته‌ایم. برنامه‌های مستند زیادی را در روستاها شروع کردیم و تا امروز به ۱۴۰ روستا رفته‌ایم، ضمن این‌که این برنامه انفرادی است که در پی آن هزار قطعه موسیقی ضبط شد و هزاران ضرب‌المثل را که فراموش شده بود دوباره راه‌اندازی کردیم مراسم عروسی و بازی‌های محلی را جمع‌آوری کردیم.

فرهنگ غنی خراسان جنوبی را که داشت به فراموشی سپرده می‌شد، احیاء کردیم. برنامه دهکده تنهایی را ساختیم که به جشنواره‌ای در ژاپن هم رفت. داستان آن درباره یک زن بود که در روستا به تنهایی زندگی می‌کرد و همه اینها جایزه گرفت. با وجود بومی بودن و توانمندی‌های کم به سراغ آنها رفتیم، زیرا می‌خواستیم ارتباط خوبی با آنها برقرار کنیم و کاملاً از جنس خود آنها باشیم به همین منظور از ۵ صبح به روستا می‌رفتیم و تا ۸ شب با افراد مختلف صحبت می‌کردیم تا حرف دل آنها را بشنویم و همین باعث شد این برنامه طرفدار زیادی داشته باشد و نمره بالایی گرفت. گاهی در روستایی می‌رویم و آنچه مطلوب ماست در نمی‌آید، زیرا برخی روستاها عشایری است و از زندگی آنها تاسف می‌خوریم و کاری از دستمان بر نمی‌آید تا برای آنها انجام دهیم، اما سعی می‌کنیم با این برنامه آنها را شاد کنیم.

لازم است این نکته را هم یادآور شوم که استان‌های تازه تاسیس نیاز به توجه مالی و انگیزشی دارند. در استان ما کمبود نیرو بشدت به چشم می‌خورد که باید برای آن فکری شود و نباید ما را با مراکز که از سطح بالایی برخوردارند، مقایسه کنند. با این حال همه با جان و دل کار می‌کنند تا آنجا که در مراکز سال گذشته اول شدیم.

مخاطب یا طرفدار؛ مساله این است

درباره کاربردهای منحصر به فرد تلویزیون و تاثیر آن بر مخاطب

عباس عادل

شبکه‌ها، باورپذیری و سرعت عمل در اطلاع‌رسانی را نیز دوچندان کرده است و لذا این دو به شکل غیرقابل باوری با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند. گاه مخاطب تبدیل به رسانه می‌شود و هم‌زمان رسانه بدون هیچ مقاومتی در جایگاه یک مخاطب، فقط می‌بیند و می‌شنود. اعلام کانال‌های ارتباطی متعدد مثل تلفن، پیامک، تارنما و... در یک شبکه به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه شیوه استفاده از دیدگاه‌های مخاطب و نمود عینی آنها در برنامه‌هاست که می‌تواند به طرفدارسازی منجر شود. هستند شبکه‌هایی که حتی آدرس‌هایی را به مخاطب اعلام می‌کنند، اما بی‌توجهی آنها به دیدگاه‌های مخاطب نه تنها به طرفدارسازی منجر نمی‌شود که مخاطب موجود را هم فراری می‌دهد.

در مقطعی کانال‌های ارتباطی اعلام شده از جانب شبکه‌های استانی توسط نگارنده مورد بررسی قرار گرفت که متأسفانه نتایج حاصله بجز مواردی اندک رضایت بخش نبود. به عنوان مثال یکی از شبکه‌های استانی، شماره تلفنی را در یکی از برنامه‌ها اعلام کرده بود، اما تماس‌های پی در پی در ساعات مختلف شبانه‌روزی نتیجه بود و اساساً کسی به این تلفن پاسخ نمی‌داد! پس از بررسی‌های فراوان مشخص شد شماره مذکور، نه متعلق به مرکز که متعلق به اداره جهاد کشاورزی آن شهرستان است؛ و این مساله بسیار مهم از جانب مدیران و برنامه‌سازان آن شبکه مغفول مانده بود!

تصور کنیم این تلفن متعلق به مرکز بود و هر کسی که تماس می‌گرفت، با پاسخی در شأن مواجه می‌شد و فراتر از آن، دیدگاهش نیز در برنامه نمود پیدا می‌کرد. از این لحظه، تمام افراد تماس‌گیرنده از مخاطب به طرفدار تبدیل می‌شدند. در شبکه‌های داخلی نمونه‌های خیلی خوبی وجود دارد که می‌توان از آنها الگو گرفت و در هر برنامه، طیف وسیعی از طرفداران را همراه نمود.

احتمالاً افراد بسیاری با شماره مذکور تماس گرفته، اما پاسخی دریافت نکرده‌اند. از این رو باید آنها را نه مخاطب که منتقد آن شبکه به حساب آورد. اگر قرار باشد هر برنامه، تعدادی از مخاطبان شبکه را فراری دهد، دیر یا زود آن شبکه به تریبون یکطرفه تبدیل خواهد شد که کارکنان شاغل در آن (حتی در ساعات کاری، حاضر به تماشای برنامه‌هایش نیستند. این مساله بزرگ‌ترین آفت و باعث و بانی مرگ زود هنگام یک رسانه است.

بقای هر رسانه و شبکه در گروی ایجاد تعامل سازنده و ارتباط دوطرفه‌ای است که با مخاطب خود برقرار می‌کند. هر اندازه که مخاطب، دغدغه‌های خود را در رسانه ببیند و در تولید پیام و محتوا سهیم باشد، به همان نسبت یکی از طرفداران آن شبکه است، در غیر این صورت، از میان هزاران شبکه و رسانه ارتباطی، یکی را انتخاب می‌کند.



اکنون چرخش‌هایی دیگر در راه است و احتمالاً توقف در ایستگاه جذب مخاطب و تاثیر بر او (شاید) نقطه پایان رسانه تلویزیون باشد، چرا که در زمانه کنونی، این مخاطب است که سرعت تحولات را مشخص می‌کند، توقف رسانه در یک ایستگاه، دلیلی بر توقف مخاطب نیست و شهروند خبرنگاران با استفاده از تکنولوژی با سرعت حیرت‌آوری از رسانه‌ها عبور می‌کنند. اکنون مخاطب‌پروری جای خود را به طرفدارسازی داده است، زیرا مشارکت مخاطب در تولید محتوا و پیام، ویژگی دیگری است که به جمع ویژگی‌های پیشین رسانه افزوده شده و بر همه آنها سایه افکنده است. تلویزیون با الهام از هنرها و رسانه‌های قبل و بعد از خود، مسیرهایی دشوار و تو در تو را پیموده و به تجربه دریافته است که این سفر بی‌پایان با وجود این همه رقیب و شریک برای ادامه مسیر، نیاز به کسانی دارد که با سرعتی حیرت‌آور در این کشف دائمی، همراه او باشند. دیگر خشونت و ارزش‌های ساختگی، رموز جدایی‌ناپذیر جذب مخاطب و تاثیر بر او به حساب نمی‌آید و آن طور که در گذشته مرسوم بود، اولویت‌های اول محصولات فرهنگی و رسانه‌ای به حساب نمی‌آید. اکنون مخاطب، شریک و گاه حتی رقیب رسانه است و در تولید محتوا و ارزش‌های فرهنگی مشارکت فعال دارد و با ایجاد ارتباط صوتی و تصویری زنده، علاوه بر کم کردن هزینه‌های ضبط و پخش برنامه (برای

از میان همه رسانه‌های ارتباط جمعی و سیر تحولی که داشته‌اند، (شاید) پرفراز و نشیب‌ترین آنها، رسانه تلویزیون است. رسانه‌های مکتوب، شنیداری و دیداری، قبل از تلویزیون فعالیت خود را آغاز کردند و هر کدام بر اساس ویژگی‌هایی خیلی زود در مسیر تکامل گام نهادند؛ اما تلویزیون از نخستین روزهای اختراع تاکنون به گونه‌ای در حال تحول بوده که گویی نقطه‌ای برای پایان آن خارج از تصور است. این رسانه بر تالام به شکل حیرت‌آوری از تمام هنرها و رسانه‌های قبل و بعد از خود بهره می‌گیرد و به عبارتی، تمام هنرها و رسانه‌های قبل و بعد از خود را می‌بلعد، بی‌آن‌که خود را مدیون کسی بداند و اشتباهی سیری‌ناپذیرش روز به روز بیشتر می‌شود. جالب آن‌که این خصلت به مخاطب تلویزیون نیز سرایت کرده است.

در اینجا سخن از تشابه یا تفاوت رسانه‌ها نیست؛ بلکه سخن از کاربردهای پدیده‌ای منحصر به فرد است که به عنوان یک رسانه از نظر ارزش‌های هنری به مراتب از اسلاف خود پایین‌تر است، اما به تنهایی بسیار بیشتر از مجموع همه آنها مخاطب خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد و رمز آن فقط در ویژگی زنده بودن آن خلاصه می‌شود.

در مقابل، مخاطب نیز با این رسانه راحت‌تر است زیرا در هر لحظه، امکان دسترسی به موضوعات دلخواه برای او فراهم است و چه چیزی بهتر از این که: بی‌آن‌که سفر کنی و به اقصی نقاط دنیا بروی، هم‌زمان در دهه نقطه باشی، بدون اتلاف وقت و هزینه، بدانی کجا هوا بارانی است و فلان توفان اکنون در کدام نقطه در حال وزیدن است. شریک شدن در تعلیق برد و باخت یک مسابقه ورزشی، درک بدون واسطه شرایط یک پدر و پسر که آماج گلوله‌های عده‌ای مهاجم قرار می‌گیرند، حیرت از هجوم امواجی که در یک چشم به هم زدن شهری را می‌بلعد و همراهی با هم‌نوعی که بر سیاره‌های دیگر فرود می‌آید، همه دلایلی است که این رسانه و جعبه جادویی‌اش را به جزئی لاینفک از زندگی روزمره میلیون‌ها مخاطب تبدیل کرده است.

زمانی رابطه مخاطب و رسانه بر مدار عرضه و تقاضا می‌چرخید و رسانه‌ها هر آنچه در چنته داشتند، عرضه می‌کردند تا مخاطب جذب آنها شود و تازه وقتی مخاطب را جذب می‌کردند، سخن از تاثیر بر آنها به میان می‌آمد. کابوس جذب مخاطب برای رسانه‌ها به گونه‌ای بود که ارزش‌های اخلاقی را در رقابتی نفسگیر (ابتدا) به حاشیه راندند و سپس آن را له کردند تا وسیله هدف را توجیه کرده باشند و از این رهگذر بقای خود را تضمین شده می‌دیدند. شاید حق با رسانه‌ها بود؛ زیرا مخاطب آن روز فقط یک مخاطب بود؛ منفعل، شنونده و تاثیرپذیرنده اما

آگهی مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم
شرکت تعاونی مصرف کارکنان فرودگاه امام خمینی (ره)

بدینوسیله به اطلاع اعضای شرکت تعاونی مصرف کارکنان فرودگاه امام خمینی (ره) می‌رساند ششمین مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۰ در سالن همایش‌های ترمینال مسافری فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:

- ۱- انتخاب هیات‌مدیره و بازرسی
- ۲- اتخاذ تصمیم در مورد حداقل و حداکثر سهام اعضا
- ۳- تصویب این‌نامه حقوق و مزایای هیات‌مدیره و مدیرعامل و اتخاذ تصمیم در مورد حق‌التأمین بازرسی
- ۴- رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترانزاکشن و حساب سود و زیان و سایر گزارش‌های مالی هیات‌مدیره
- ۵- تصمیم‌گیری در خصوص عضویت هیات‌مدیره

در صورتی‌که حضور عمومی در مجمع عمومی مسرر نشود، تشخیص می‌تواند حداقل تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۹ جهت تمدن و تکلیف به دفتر اداره امور کارکنان فرودگاه امام خمینی (ره) مراجعه نماید و یا وگذاشته را در دفتر خانه رسمی تنظیم نماید.

معمولاً مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم معارضت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضا اعم از حاضرین و غایبین نافذ و معتبر خواهد بود.

جزیره قشم
فروش فوری بدون واسطه
غرفه‌های تجاری
۰۹۱۲۱۲۶۹۶۶۳

فروش فوق‌العاده زمین
یک قطعه زمین به مساحت ۲۱ هزار متر با قابلیت پرورش و تولید قنارچ در بهترین موقعیت محلی (اورامین) و با ۲/۵ میلیارد تومان وام به فروش یا معاوضه می‌رسد. همراهه گذاری مطمئن و دسترسی آسان به تهران
۰۹۱۲۱۳۳۰۱۱۳

شرکت الکامپ - اینترنت ADSL
ارائه کلیه خدمات کامپیوتر و شبکه
فروش و خدمات در محل با ضمانت
۲۴ ساعته، تمام نقاط ایران
مهندس آرایی
۷۷۹۱۴۰۹۵ - ۸۸۴۵۶۴۱۱

گفت و گو با کیوان مجیدی، مستندساز موفق کردستانی

استان‌ها چشم انتظار توجه‌اند

بهرام ابراهیمی

کیوان مجیدی، فیلمساز سی و هفت ساله صدا و سیما مرکز کردستان است که کارنامه قابل قبولی در طول سال‌های کوتاه کاری از خود بر جا گذاشته و توانسته است با تولید مستندهای جذابی همچون «ارتقا امید» در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی، نماینده شایسته‌ای برای ایران اسلامی باشد.

نامزد بهترین کارگردانی پانزدهمین جشن خانه سینما، جایزه خانتی‌بان سبسک روسیه برای کارگردانی فیلم ارتقا امید و جایزه بهترین کارگردانی ایران در جشنواره آب و خلیج فارس برای فیلم «مرزه وان» بخشی از موفقیت‌های مجیدی است. به این بهانه گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:



ارزشمند بتواند به جذابیت و جذب مخاطب بیشتر فیلم مستند کمک کند. البته ما موضوع‌های فراوانی داریم که می‌توان راجع به آن فیلم مستند تولید کرد که البته امیدوارم در آینده‌های نه‌چندان دور بتوان در بخش‌های مختلف مستندهای تاثیرگذار و جریان‌ساز را تولید و پخش کرد.

چه چیزی باعث شد به سمت فیلمسازی مستند گرایش پیدا کنید؟

به نظر من در سال‌های اخیر فیلمسازی تبدیل به مناسب‌ترین وسیله برای بیان مشکلات جوامع شده و بسیار موثر بوده است. یک فیلم خوب زمینه‌ساز حضور فیلمساز برای خلق آثار فاخر و ایجاد حس قوی و انتقال نگاه بین خود و مخاطب بوده، به طوری که این ارتباط بدون حضور فیلمساز و با نگاه به فیلم بین او و مخاطب برقرار می‌شود و این یک همدلی بسیار ارزشمند و کم‌نظیر است. یکی از مهم‌ترین معجزات بشر در طول حیاتش، قدرت خلاقیت اوست.

نیروی که انسان ونگوگ را در نقاشی به جنون می‌کشاند، رابرت کاپا و وارتر بیشاپ را قربانی می‌کند، بتهوون را اسطوره و چاپلین را قهرمان می‌سازد، همان



تصاویری از مستند «ارتقا امید»

خلاقیت است که در افراد مختلف به شکل‌های گوناگون بروز و ظهور می‌کند و در این میان البته سختی‌های راه را نباید نادیده گرفت که ممکن است گاهی اوقات سبب ناکامی یک هنرمند در ادامه مسیر موفقیت شود.

سال ۲۰۱۰ یکی از ساخته‌های شما با عنوان «زنان شفا» در جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور کانادا در کنار فیلمساز مطرح ایرانی عباس کیارستمی با فیلم (کبی برابر اصل) به بخش مسابقه این جشنواره راه یافت و در کنار فیلم‌های کارگردانان با تجربه و موفق دنیا به نمایش درآمد، این اتفاق چقدر روی شما تاثیر گذاشت؟

صادقانه بگویم در قیاس با بزرگان هنر هفتم واقعا قطره‌ای در برابر اقیانوسم و این توفیق را به حساب آرزوهایم می‌گذارم که در کنار بزرگان دنیا بودن است، اما برای ساخت این فیلم زحمات زیادی کشیدم و از تجربه ارزشمند فعالان این عرصه یاری گرفتم، زیرا اعتقاد قلبی دارم هرگز با تکروی و کار کردن در

فضایی بسته در مسیرهای پرفراز و نشیب، موفقیت به دست نمی‌آید.

برای خلق آثار خاص احتیاج به حمایت ندارید؟
ببینید حمایت، ایجاد انگیزه می‌کند و حمایت نشدن باعث می‌شود فرصت‌های طلایی در زمانی که بیشترین انرژی برای موفقیت وجود دارد، از دست برود و به سستی و بی‌رقمی بینجامد. می‌خواهم کمی خودمانی‌تر بگویم و این که گاهی اوقات در صفاها کسانی ظهور می‌کنند که دانش پایین خود را در پوششی از لفاظی حرفه‌ای پنهان می‌کنند و سعی دارند به مخاطب القا کنند هر آنچه عرضه می‌شود حاصل تجربه ناب و پشتکاری طولانی است. اما باید بگویم مخاطبین فهیم ما هرگز به این پوشش‌های مصنوعی و دروغین دلخوش نیستند و خود صادقانه قضاوت می‌کنند. یکی دیگر از مشکلات موجود در حمایت از فیلمسازان جوان، نبود امکانات مورد نیاز در این حرفه است که گاه باعث می‌شود یک فیلمنامه ناب و اثرگذار به دلیل نقص در تبدیل شدنش به فیلم نظیر دوربین حرفه‌ای و وسایل و فناوری روز آن اثرگذاری واقعی را نداشته باشد که صد البته این نقیصه در استان‌های کوچک بیشتر به چشم می‌خورد. البته این را هم باید بگویم که خوشبختانه صدا و سیما مراکز، فضایی را برای هنرمندان استانی ایجاد کرده‌اند که بتوانند کارهایشان را تولید و از شبکه‌های استانی پخش کنند، اما این به تنهایی کافی نیست و شبکه‌های استانی هم با کمبودهایی مواجه هستند.

در استان‌ها چه قابلیت‌هایی برای خلاقیت شهری وجود دارد؟

فقط در استان کردستان بلکه در تمام کشور، هنرمندان جوانی وجود دارند که می‌خواهند آثار درخوری تولید کنند، اما به دلیل نداشتن بودجه یا امکانات لازم نمی‌توانند اثر دلخواهشان را تولید کنند. مسئولان باید توجهشان به هنرمندان شهرستانی باشد.

در بخشی از حرف‌هایتان گفتید صدا و سیما مرکز کردستان در موفقیت شما نقش داشته است. به نظر تان مدیران صدا و سیما مراکز چطور می‌توانند فضای دلخواه هنرمندان شهرستانی را فراهم کنند؟
بدون شک صدا و سیما مرکز کردستان در موفقیت من نقش بسزایی داشته است. نه تنها من بلکه بسیاری از علاقه‌مندان رشته‌های مختلف هنری، مدیران در صدا و سیما مراکز تمام امکاناتشان را در اختیار هنرمندان شهرستان قرار داده‌اند، اما باید بودجه‌های بیشتری به صدواسیما مراکز تعلق بگیرد تا آنها هم بتوانند برآوردهای بهتری به هنرمندان بدهند. هنرمندان شهرستانی بدون هیچ‌گونه چشمداشتی در مراکز صدا و سیما فعالیت می‌کنند و باید علاوه بر ایجاد انگیزه، از آنها حمایت‌های مختلف از جمله حمایت مالی صورت بگیرد.

افق

رادیوهای محلی بومی، پویا و انعطاف‌پذیر

محمد یوسفی

رادیوهای محلی، بومی و نوع برنامه‌های آنها در جذب مخاطب برای رسانه شنیداری بسیار موثر هستند. متخصصان علوم ارتباطات معتقدند رادیو سریع‌ترین و قابل دسترس‌ترین رسانه‌ای است که مخاطب می‌تواند در هر شرایطی از آن استفاده کند. برخورداری از ۲۹ رادیوی استانی، سه رادیوی محلی و شش رادیوی شهری در استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرهای کشور مزیت رسانه‌های بزرگی است که در اختیار استان‌هاست. زیرا به طور میانگین روزانه ۱۲ ساعت برنامه با رویکرد محلی و استانی از شبکه‌های استانی پخش می‌شود و ویژگی‌های اقلیمی و شرایط معیشتی عموم مردم اقبال به این رسانه را در استان‌ها مضاعف کرده است. آشنایی با کارکردها و شناسایی آسیب‌های این رسانه صمیمی و سریع می‌تواند به بهره‌گیری بیشتر و کیفی از آن در ادامه فعالیت‌ها منجر شود.

دنیای امروزی، دنیای ارتباط با مخاطب است. اگر رادیو را به عنوان بانفوذترین و قابل دسترس‌ترین رسانه جمعی تلقی کنیم با توجه به نقش اقتصادی، اجتماعی مردم امروزی، می‌توان گفت تعامل رادیو با مخاطب بسیار بارز و حتی به لحاظ ارزش اجتماعی گران است. اکنون رادیو به دو دسته ملی و بومی تقسیم می‌شود که عمدتاً رادیوی ملی به مباحث کلی پیرامون سیاست، اقتصاد و فرهنگ می‌پردازد؛ اما از آنجا که کشور، پهنه‌های وسیع از تجمع آداب و سنن غنی است رسالت خطیر ارائه و حفظ فرهنگ بومی به عهده رادیوهای بومی است.

امروزه رمز موفقیت یک برنامه رادیویی، علاوه بر ایجاز و اختصار، تناسب تنگاتنگ به لحاظ ویژگی‌های روان‌شناسی و اجتماعی مردم است تا با این شناخت علمی، بتوان بهترین برنامه‌ها را با بالاترین بازدهی و کیفیت به جامعه ارائه کرد و قطعا علاوه بر مخاطب عام جامعه، دانشمندان، استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران نیز هستند. بنابراین می‌توان ادعان کرد این رسانه بومی با مجموعه برنامه‌های زنده اقتصادی، اجتماعی، نمایشی، مستند و... توانسته همپای رضایت مخاطبان پیش برود. اکنون شبکه‌های معتبر دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که اولاً به برنامه‌های شبکه خود هویتی بومی ببخشند و از این همه پراکنده‌گویی بپرهیزند و ثانیاً با محدود کردن تعداد برنامه‌ها در قالب برنامه‌های اصلی و گنجاندن بخش‌های کوتاه و جذاب در دل آن برنامه‌ها، هر چه بیشتر مخاطب را پای گیرنده‌های خود بنشانند. به نظر من این موضوع می‌تواند گامی موثر در ترغیب مردم به استفاده از شبکه‌های استانی شود.

لازمه یک شبکه رادیویی پویا، انعطاف در محتوا و حتی ساختار برنامه‌هاست به این ترتیب به فراخور زمان، برنامه‌های شبکه می‌تواند از قالب سنتی و از پیش تعیین شده فاصله بگیرد و بی‌محایا و سریع به برنامه‌هایی مفیدتر و به‌روز تبدیل شود.



ادای دین هنری ناموفق

«هوگو»ی مارتین اسکورسیزی که چندروز پیش از شبکه نمایش روی آنتن رفت ادای دین این فیلمساز به سینما و فیلمسازی است و میزان عشق او به صنعت سینما و فیلم را به نمایش می‌گذارد، این محصول سال ۲۰۱۱ سینما براساس قصه کتاب برایان سلزینک ساخته شد.

جان لاگن فیلمنامه آن را نوشت و دو بازیگر نوجوان در کنار چند چهره قدیمی سینما، نقش‌های اصلی آن را بازی کردند. قصه فیلم در شهر پاریس و در دهه ۳۰ میلادی اتفاق می‌افتد و درباره پسر بچه یتیمی است که در متروی شهر زندگی می‌کند. او برای حل رمز و راز مربوط به یک رباط (که از پدرش به ارث رسیده) به ژرژ مه‌لیس، فیلمساز کلاسیک سینما می‌رسد.

برای تولید این درام پررمز و راز فانتزی ۱۷۰ میلیون دلار هزینه شد و اسکورسیزی اصرار داشت آن را به صورت سه‌بعدی بسازد؛ اما تماشاگران سینما استقبال خوبی از این فیلم نکردند و با یک فروش ۷۴ میلیون دلاری در آمریکای شمالی، لقب یک کار کم‌فروش را گرفت. با این حال، آکادمی اسکار به تحسین کار اسکورسیزی پرداخت و وی را نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین کارگردانی کرد. منتقدان سینما هم از حاصل کار این فیلمساز نیویورکی راضی نبودند و این موضوع در بیشتر نقدهایی که روی فیلم نوشته شد، مشهود بود. آنها «هوگو» را فیلمی متوسط ارزیابی کردند و گفتند از کسی مثل اسکورسیزی بعید بود که چنین فیلمی را بسازد.

این در حالی است که «هوگو» یکی از پروژه‌های شخصی و مورد علاقه این فیلمساز است و وی از سال‌ها قبل در فکر ساخت آن بوده است. فروش پایین فیلم و عدم استقبال تماشاگران از آن، باعث آزردهی خاطر اسکورسیزی شد. چند فیلم قبلی او با همکاری لئوناردو دی‌کاپریو هم با نقدهای مثبت منتقدان همراه بود و هم فروش خوبی در جدول گیشه نمایش سینماها کرده بود، اما منتقدان بر این باور بودند که «هوگو» در ژانر کاری اسکورسیزی قرار نمی‌گیرد و یک دنیا با دنیای ذهنی و فلسفه فیلمسازی او تفاوت دارد. این در حالی است که همین منتقدان سینمایی به این نکته معترف هستند که هوگو از نظر سینمایی عیب و نقصی ندارد و یک کار کامل است.

برخی سکانس‌های فیلم نفسگیر و بسیار خوش ساخت هستند، اما اسکورسیزی باید فیلمسازی در دنیای گنگسترها و مردان خسته و بخت برگشته را ادامه دهد و فیلمسازی در ژانر فانتزی و کودک و نوجوان را به هنرمندان این رشته واگذار کند. جالب است که اسکورسیزی به این حرف منتقدان گوش کرد و در فیلم بعدی خود «گرگ وال استریت» به دنیای آشنا و همیشگی‌اش برگشت. این بازگشت هم موفقیت مالی ۱۱۷ میلیون دلاری برای آن به همراه داشت و هم تحسین دوباره منتقدان سینمایی را برانگیخت.

لئوناردو دی‌کاپریو هم از این بازگشت فیلمساز به سبک کاری قبلی‌اش بسیار راضی بود، زیرا دوباره نقش اصلی فیلم از این استاد کلاسیک نیویورکی را به عهده گرفت!



شاهرخ‌خان، بازیگر سرشناس و مسلمان سینمای هند در کنار عامر و سلمان، لقب سه‌خان بزرگ بالیوود را به خود اختصاص داده‌اند. نزدیک دو دهه است این سه نفر مطرح‌ترین بازیگران مرد روز سینمای کشور خود هستند و برای حفظ لقب بازیگر شماره یک بالیوود با هم رقابت دارند.

در بین این سه، شاهرخ‌خان مقبولیت عمومی بیشتری دارد و این در حالی است که کار بازیگری را پس از این دو شروع کرده است. این بازیگر چهل و نه ساله سینمای هند، فعالیت بازیگری را از سال ۱۹۸۸ با حضور در یک مجموعه تلویزیونی آغاز کرد. پس از بازی در چند مجموعه تلویزیونی در سال ۱۹۹۲ با «دیوانه» وارد دنیای سینما شد. این فیلم فروش خوبی در جدول گیشه نمایش کرد، ولی شاهرخ‌خان در سال

شاهرخ‌خان:

خوشبخت‌ترین آدم روی زمین هشتم

این‌دیا اف.ام. / مترجم: کیکاووس زبیری

از نقش‌هایی که تا به حال بازی کرده‌اید، راضی هستید؟

یک جورهایی بله. در طول دو دهه قبل برای بازی در نقش‌هایی دعوت شده‌ام که رضایت خاطر را فراهم کرده است. آنها نقش‌های متنوعی بوده‌اند که در ژانرهای مختلف خودشان را نشان داده‌اند و به کمک آنها توانسته‌ام در قالب آدم‌ها و شخصیت‌های متفاوتی بروم.

نقشی هم بوده که دوست داشته‌اید بازی کنید و هنوز فرصت آن فراهم نیامده است؟

خب بله. همیشه آرزوی بازی در چند نقش خاص را داشته‌ام و امیدوارم بتوانم یک روز آنها را در جلوی دوربین سینما بازی کنم، اما فقط میل و خواسته من مطرح نیست. باید فیلمنامه‌های خوب و متفاوت هم به من پیشنهاد شود تا بتوانم بازی در آنها را قبول کنم. سینمای هند و بالیوود تا چند سال قبل درگیر دایره تکرار بود و قصه‌های تازه و بدیع را تجربه نمی‌کرد. به همین دلیل، من هم قدرت انتخاب زیادی نداشتم و مجبور بودم از بین آنچه هست، بهترین‌ها را برای کار انتخاب کنم، اما حالا مدتی است وضع فرق کرده است؛ هم فیلمسازان جوان خوشفکری از راه رسیده‌اند که طرح‌های تازه دارند و هم تماشاگران از قصه‌های بدیع و غیرمتعارف استقبال خوبی می‌کنند. این دو عامل باعث شده فیلم‌های خوب و متفاوتی ساخته شود و بازیگران بتوانند حضور در نقش‌های جدید و غیرتکراری را تجربه کنند. برای مثال، همیشه دوست داشتم نقش یک آدم کندذهن را بازی کنم و «نام من خان است» فرصت بازی در آن را برایم فراهم کرد.

گفته می‌شود در طول این همه سال، دوستان کمی برای خودتان پیدا کرده‌اید.

بله، دوستان صمیمی و نزدیک مرا افراد کمی تشکیل می‌دهند و دایره محدودی از دوستان صمیمی دارم. آدم خوش اقبالی هستم که آنها را در کنار خود دارم. احساس نزدیکی بسیار زیادی به آنها می‌کنم و تقریباً مثل خانواده‌ام هستند. در طول روز شما با آدم‌های خیلی زیادی برخورد کرده و روبه‌رو می‌شوید، اما تعداد اندکی از آنها با شما صادق هستند. در مقابل، شما هم باید با آنها صادق باشید.

تفاوت بودن را دوست دارید؟

در جلوی دوربین بله، اما در زندگی واقعی بستگی به موقعیتی دارد که در آن قرار می‌گیرم. دوست ندارم در یک قالب کاری کلیشه‌شوم. کلیشه شدن باعث عقبگرد بازیگر می‌شود. مگر تماشاگران تا چه زمانی حاضر به پذیرش شما در یک نقش هستند؟ شما چند بار می‌توانید یک قهرمان اکشن یا یک آدم رمانتیک باشید و هر بار هم تماشاگران با شما همراهی کنند؟ بالاخره یک جایی از شما خسته می‌شوند و باید مراقب باشید آن روز خیلی دور نباشد و باعث ناموفق شدنتان نشود. به همین دلیل، همیشه تلاش داشته‌ام هر چند وقت یکبار یک تنفس به خودم بدهم و خط و راه کاری‌ام را عوض کنم. زمانی ضدقهرمان فیلم‌ها بودم و بعد جوان رمانتیک شدم، قهرمان اکشن را هم تجربه کردم و در نقش‌های غیرمتعارف هم بازی می‌کنم.

۱۹۹۳ و پس از حضور در چهار فیلم سینمایی دیگر بود که به صورت یک ستاره درآمد. در همان سال «ترس» (دار) هم از وی روی پرده سینماها رفت که با استقبال بالایی تماشاگران روبه‌رو شد. از آن زمان، او یکی از مطرح‌ترین و محبوب‌ترین بازیگران سینمای هند است. از فیلم‌های مطرح دیگر شاهرخ‌خان می‌توان به «داماد شجاع»، «ارتش»، «بله قربان»، «دل دیوانه است»، «همشکل»، «محبت‌ها»، «شاید فردایی نباشد»، «دون»، «من خان هستم» و «تا وقتی زنده‌ام» اشاره کرد. آخرین فیلم سینمایی او روی پرده سینماهای جهان «قطار اکسپرس چنای» سال قبل به نمایش عمومی درآمد. شبکه نمایش چند روز پیش تعدادی از فیلم‌های سینمایی شاهرخ‌خان را نمایش داد و گفت‌وگوی اینترنتی زیر به بهانه نمایش این فیلم‌ها ترجمه شده است.



یک رستوران معمولی غذا بخورم. از آن دسته بازیگرانی هم نیستیم که عینک آفتابی بزنم تا در بین مردم عادی شناخته نشوم. خودم را آن قدر ستاره بزرگی نمی‌بینم که بخواهم دست به چنین کارهایی بزنم. برای دیدن فیلم‌های سینمایی به سالن‌های نمایش فیلم می‌روم و با دوستان و خانواده‌ام در رستوران‌های سطح شهر غذا می‌خوریم. این در حالی است که می‌دانم مردم عادی به محض دیدنم به طرفم می‌آیند و عکس و امضا می‌خواهند، اما این مساله را نوعی مزاحمت نمی‌دانم و با آنها عکس یادگاری می‌گیرم و امضا می‌دهم.

بسیاری شما را برترین بازیگر بالیوود می‌دانند.

نظر خودتان چیست؟

خیر، اصلاً این لقب را نباید به آمیتاب باچان، نصیرالدین شاه و نانا پاتکار داد. زمانی به آنها گفتم می‌خواهم در دنیای بازیگری به شما برسیم و در جایگاه شما قرار بگیرم. کمال حسن و راجش کانا هم در همین دسته قرار می‌گیرند.

اولین بار که راجش کانا را دیدم به او گفتم آرزوی بزرگ زندگی‌ام این است که با دستم شما را لمس کنم، آنها برترین‌های بازیگری هستند. وقتی چنین لقبی به من داده می‌شود، می‌گویم هنوز راه درازی در پیش دارم تا آن لقب را به خودم اختصاص دهم.

شما یکی از بهترین ضدقهرمان‌های بالیوود بوده‌اید. قصد ندارید دوباره جلوی دوربین نقش یک ضدقهرمان را بازی کنید؟

بستگی به آن دارد که فیلمنامه خوبی در این رابطه پیشنهاد شود و شخصیت موردنظر، ساخت و پرداخت خوبی داشته باشد. شخصیت در «ترس» (دار) و «بازیگر» را دوست دارم. آنها ضدقهرمان‌هایی قوی و خوب بودند و در دست فیلمنامه‌نویسان پرورش خیلی خوبی یافته بودند.

تماشاچی کاملاً آنها را قبول و با هر دوی آنها همراهی و همذات‌پنداری می‌کرد. اگر قرار باشد فیلمنامه تازه‌ای در این رابطه پیشنهاد شود، باید مثل این دو فیلم قوی و محکم باشد، البته چند سال قبل «دان» را بازی کردم که شخصیت در آن، یک جورهایی ضدقهرمان بود.

فکر می‌کنید توانسته‌اید به محبت‌های طرفداران خود پاسخ درخوری بدهید؟

فکر نمی‌کنم توانایی آن را داشته باشم که پاسخ این محبت‌ها را بدهم. آنها کارهای خیلی زیادی برایم کرده و حامی اصلی‌ام در تمام این سال‌ها بوده‌اند. چه کار می‌توانم بکنم تا بتوانم این لطف و محبت‌ها را جبران کنم؟ عشق و محبتی که آنها به من می‌دهند باعث می‌شود تلاش بیشتری در کارم داشته باشم و مقام اول را در بین بازیگران سینما کسب کنم. احساس می‌کنم تنها کاری که می‌توانم برای طرفدارانم انجام دهم این است که همچنان کار کرده و هیچ وقت بازیگری را رها نکنم. در عین حال، سعی کنم هر روز کارهای بهتری انجام دهم.

با ستاره بودن چگونه کنار آمده‌اید؟

خودم را خوشبخت‌ترین آدم روی زمین می‌دانم و این را از هیچ کس پنهان نمی‌کنم، محافظ زیادی ندارم و در گفت‌وگوهایم با رسانه‌های گروهی از این گله نمی‌کنم که نمی‌توانم به راحتی برای خرید بروم یا در

قاب‌توییت

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر

روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی

ghabekoochak@jamejamonline.ir

بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.